
دستور خط و فرهنگ املايي فارسي غير رسمي

دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیر رسمی

مسعود قیومی

مریم مسگر خویی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۴۰۳

این کتاب حاصل طرح پژوهشی گروه زبان و رایانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

سرپرستان طرح: دکتر مسعود قتیومی، دکتر مریم مسگرخویی
اعضای شورای علمی: دکتر سید مصطفی عاصی، دکتر محمود بیجن‌خان، دکتر مهنوش
شمس‌فرد، دکتر امید طبیب‌زاده، دکتر سعیده ممتازی
مشاور طرح: دکتر محمدرضا رضوی
ویراستار فنی دستور خط: دکتر مرتضی قاسمی
برچسب‌گذاری آوایی داده‌های استاندارد شده، تحلیل داده‌ها و استخراج قواعد: دکتر
معصومه حاجی‌زاده
برچسب‌گذاری آوایی داده‌های فضای مجازی: فرهاد قربان‌زاده
برچسب‌گذاری بن‌واژه‌ها و داده‌های داستانی، تحلیل و ویرایش داده‌ها: آذین شهریاری‌فرد
برچسب‌گذاری مقوله‌دستوری: دکتر محمد صاحبی
همکار برچسب‌گذاری داده‌های داستانی و نمایه‌سازی: امیرعباس آقابابا‌زاده
گردآوری پیکره: دکتر مریم مسگرخویی، دکتر معصومه حاجی‌زاده، دکتر عباس بگ‌جانی
نمونه‌خوان: سحر دهقان‌پور، بتول احمدی

فهرست مطالب

دستور خط فارسی غیررسمی.....	۹
۱. مقدمه.....	۱۱
۲. مخاطبان.....	۱۴
۳. مبانی و اصطلاحات پایه.....	۱۶
۱.۳ ارتباط رایانه محور.....	۱۶
۲.۳ فضای مجازی.....	۱۷
۳.۳ نونویسی.....	۱۷
۴.۳ گفتاری نویسی و شکسته نویسی.....	۲۰
۴. پیکره داده های زبان فارسی در فضای مجازی.....	۲۵
۵. ملاحظات دربارۀ نونویسی در خط فارسی.....	۳۱
۶. نونویسی های نگارشی.....	۳۳
۷. نونویسی های آوایی - ساخت واژی.....	۴۲
۸. نونویسی های بافت وابسته.....	۵۰
۹. نتیجه گیری.....	۵۱
فرهنگ املائی فارسی غیررسمی.....	۵۳
کتاب نامه.....	۸۷

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱. قواعد شکسته‌نویسی در خط فارسی براساس طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) ۲۱
- جدول ۲. نشانه‌های به‌کاررفته در برچسب‌گذاری آوایی ۲۷
- جدول ۳. فهرست برچسب‌های مقولات دستوری ۲۸
- جدول ۴. نتایج کلی میزان اعمال قواعد ۳۱
- جدول ۵. نتایج تحلیل داده‌ها از نظر تکرارپذیری یا تکرارناپذیری قواعد هر سه سطح تحلیل ۳۲
- جدول ۶. نتایج تحلیل داده‌ها براساس ویژگی‌های نگارشی ۳۴
- جدول ۷. نونویسی‌های نگارشی حاوی حذف نویسه ۳۵
- جدول ۸. نونویسی‌های نگارشی حاوی تغییر نویسه ۳۸
- جدول ۹. نونویسی‌های نگارشی حاوی درج نویسه ۴۱
- جدول ۱۰. نونویسی‌های نگارشی حاوی تکرار نویسه نمایانگر همخوان ۴۲
- جدول ۱۱. نتایج تحلیل داده‌ها براساس ویژگی‌های آوایی - ساخت‌واژی ۴۳
- جدول ۱۲. مقایسه تحلیل داده‌های فضای مجازی با قواعد معرفی‌شده در طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) ۴۴
- جدول ۱۳. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تغییر ساخت‌واژی ۴۵
- جدول ۱۴. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع کاهش آوایی ۴۷
- جدول ۱۵. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تغییر آوایی ۴۷
- جدول ۱۶. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع حذف تک‌واژ ۴۸
- جدول ۱۷. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تنوع گونه‌های زبانی ۴۹
- جدول ۱۸. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تکرار واکه ۴۹
- جدول ۱۹. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع درج آوا ۵۰
- جدول ۲۰. نونویسی‌های نگارشی از نوع تغییر بافت‌وابسته نویسه ۵۰

دستور خط فارسی غیررسمی

۱. مقدمه

زبان دارای دو سطح «صورت» و «معنا» است. تجلی صورت در زبان می‌تواند آوایی باشد و از طریق امواج صوتی از گوینده به شنونده منتقل شود یا اشاره‌ای باشد و از طریق زبان اشاره، از گوینده/ اشاره‌گر به اشاره‌نگر منتقل شود. صورت همچنین می‌تواند از طریق خط و نوشتار، که نوع دیگری از مجاری ارتباطی است، تجلی یابد و پیام نویسنده را به خواننده انتقال دهد. در واقع، خط شکل نوشتاری زبان است. معنا نیز در صورت، چه صورت آوایی/ اشاره‌ای و چه صورت نوشتاری، مستتر است. از آنجاکه زبان متشکل از قواعدی است که به‌طور مکرر و در شرایط گوناگون به کار گرفته می‌شود خط نیز باید از اصول و قواعد معینی پیروی کند. به مجموعه این اصول و قواعد «دستور خط» گفته می‌شود. براساس اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط فارسی خط رسمی ایران است و باید در تمامی مکاتبات و اسناد رسمی و نیز کتاب‌های درسی و رسانه‌ها از این خط استفاده شود.

در گذشته، تنها افراد مجرب و وظیفه حروف چینی و صفحه‌آرایی محتوای مکتوب را داشتند و تنها نویسندگان به کار نوشتن و تولید محتوا مشغول بودند، اما امروزه، با فراگیر شدن رایانه‌های شخصی و در دسترس قرار گرفتن نرم‌افزارهای حروف‌نگاری،

عموم افراد جامعه، در همه سطوح اجتماعی و با هر میزان دانش و سواد و با سرعت به تولید متن‌های الکترونیکی مشغول‌اند. به‌کارگیری گسترده خط فارسی و تولید بدون محدودیت متن توسط طیف وسیعی از کاربران لزوم تهیه دستور خط فارسی را در این حوزه آشکار می‌کند. البته باید به خاطر داشت که فناوری‌های نوین نه تنها از بین برنده همه فرهنگ‌ها به نفع یک فرهنگ مسلط نیست که خود فراهم‌آورنده امکاناتی بی‌نظیر و برابر برای همه افراد و گروه‌ها و اقوام است تا در کنار هم و بدون هیچ مرز و مانعی، به دادوستد علمی و فرهنگی بپردازند (عاصی، ۱۳۸۵: ۶۳).

از آنجاکه امروزه، علاوه بر رایانه‌های شخصی، شبکه‌های اجتماعی گوناگونی در بستر اینترنت شکل گرفته‌اند و تک‌تک افراد جامعه به‌سادگی می‌توانند از طریق این شبکه‌ها به تبادل اطلاعات بپردازند لازم است شیوه به‌کارگیری خط فارسی در این بسترها بررسی شود و مطالعه‌ای جدی درباره وضعیت خط فارسی در شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی انجام پذیرد؛ چراکه پیشرفت فناوری، سرعت انتقال اطلاعات، ارتباط هم‌زمان و ساده‌سازی زبان به دلیل سرعت در نگارش، همگی سبب رواج گونه‌ای از نگارش شده که ممکن است به مرور زمان بر زبان تأثیر بگذارد. گونه نوشتاری فضای مجازی در اصل «گفتار نوشتاری» است که به واسطه فناوری‌های نوظهور رواج یافته است. ویژگی منحصر به فرد این نوع نوشتار این است که تعامل زبانی از طریق محتوای تولیدشده و به محض فشردن دکمه «ارسال» به وقوع می‌پیوندد؛ درست همان گونه که آواها در مجرای گفتار تولید و تلفظ می‌شوند.

سهولت به‌کارگیری ابزارهای تولید محتوا در فضای مجازی و هزینه ناچیز استفاده از این فضا انگیزه استفاده از آن را بیشتر کرده است که همین موضوع در بلندمدت موجب بروز برخی ابداعات خواهد شد. ممارست در اعمال ابداعات دلبخواهی و تداول شیوه‌های نامأنوس نگارش با ایجاد آشفتگی در خط سبب می‌شود مهارت‌های خواندن و نوشتن افراد تغییر یابد؛ از این رو، لازم است ضمن

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۱۳

شناسایی تغییرات خط، راهکارهایی برای قاعده‌مندسازی این تغییرات و نزدیک‌تر کردن آن به گونه رسمی نوشتار فارسی در نظر گرفته شود. سه دلیل عمده برای قاعده‌مندسازی این گونه زبانی وجود دارد:

- کمتر کردن فاصله میان زبان گفتاری و نوشتاری و در نتیجه مشخص‌تر شدن زبان معیار؛
- ساده‌تر کردن فرایند آموزش و فراگیری زبان به خصوص برای غیرفارسی‌زبانان؛
- جلوگیری از بروز دوزبان‌گونه‌گی (طیب‌زاده، ۱۳۹۸ الف: ۲۳).

با اینکه دستورنویسان و ادبا تغییر در زبان را، به واسطه حضور فناوری نمی‌پذیرند و تغییر در نوشتار را موجب تباهی یا حتی مرگ زبان می‌دانند، زبان فارسی، به دلیل داشتن ظرفیت‌های بالقوه، همانند هر زبان دیگری، قابلیت انطباق با شرایط جدید را دارد (همان: ۲۸).

بررسی داده‌های زبان فارسی در فضای مجازی نشان می‌دهد که شیوه نگارش محتوای تولیدشده در بسیاری از موارد با شیوه نگارش معیار یکسان است، اما در برخی موارد نیز از آن تبعیت نمی‌کند؛ از این رو، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مطابق رسالت خود در پاسداشت خط و زبان فارسی، از سال ۱۴۰۰ طرحی پژوهشی را در گروه زبان و رایانه به اجرا گذاشت. هدف این طرح آسیب‌شناسی شیوه نگارش کاربران فارسی‌زبان در محیط‌های الکترونیکی، به خصوص در فضای مجازی، و ارائه الگو و دستور خطی ویژه نگارش غیررسمی بود. مطابق چنین دستور خطی، کاربران می‌توانند در هنگام تولید محتوا الگوهای یکسانی در نگارش واژه‌ها و عبارت‌ها به کار ببرند. اولین گام در تهیه چنین دستور خطی استخراج الگوهای رفتار کاربران فضای مجازی و شیوه‌های جدید نگارش آن‌ها از داده‌های واقعی و بدون برساخت بود. در واقع پس از گردآوری این اطلاعات بود که بررسی و طبقه‌بندی و تألیف دستور خط در محیط‌های الکترونیکی امکان‌پذیر می‌شد. بر این اساس، دستور خط حاضر پیکره‌محور است؛ به این معنا که ابتدا نمونه‌ها و شواهد

واقعی از نوشته‌های کاربران فارسی‌زبان در فضای مجازی گردآوری و از نظر ویژگی‌های زبان‌شناختی توصیف شده است. سپس، داده‌ها فراهلیل و تبیین و پیشنهادها و راهکارهایی برای کمتر کردن فاصله نوشتار غیررسمی و نوشتار معیار ارائه شده است.

۲. مخاطبان

این دستور خط بر آن نیست که مجموعه قواعدی را برای نگارش در فضای مجازی تجویز کند، بلکه می‌کوشد که ساختار محتوای الکترونیکی تولیدشده را، که افراد مختلف جامعه، با سطوح اجتماعی و سطوح گوناگون سواد و دانش در آن نقش داشته‌اند، بررسی و واکاوی کند تا بتواند با در نظر گرفتن محتوای مذکور، که حاوی ابداعات نگارشی است، راهکارهایی برای کم کردن تفاوت میان شیوه نگارش غیررسمی کاربران فارسی‌زبان با نگارش معیار منطبق با دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۴۰۱) ارائه کند. در این مسیر ما با دو گونه نوشتاری مواجهیم: گونه رسمی که در مکاتبات و اسناد رسمی، رسانه‌ها و کتاب‌های آموزشی و غیره کاربرد دارد، و گونه غیررسمی، که در ادبیات داستانی، ادبیات عامه و فضای مجازی به کار می‌رود. بنابراین، مخاطب این پیشنهادها صرفاً کاربران فارسی‌زبان فضای مجازی نیستند؛ رسانه‌های جمعی، مؤسسه‌های انتشاراتی و تبلیغاتی و سایر نهادهایی که به نحوی با نوشتار غیررسمی سروکار دارند نیز می‌توانند این دستور خط را ملاک شیوه نگارش غیررسمی فارسی قرار دهند. از سوی دیگر، از آنجاکه ابزارهایی چون جویسگر متن، متن‌خوان خودکار، مبدل متن به گفتار و گفتار به متن، و سامانه‌های ترجمه ماشینی برای زبان فارسی ابزارهای پیچیده‌ای هستند که به‌کارگیری آن‌ها به بومی‌سازی فضای مجازی کمک شایان توجهی خواهد کرد (عاصی، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۹) پژوهشگران علوم رایانه و پردازش رایانه‌ای زبان نیز، با در نظر گرفتن دسته‌بندی‌ها و پیشنهادهای ارائه‌شده در این مجموعه و با به‌کارگیری

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۱۵

فناوری‌های نوین، امکان تهیه ابزارها و دسترسی‌های سخت‌افزاری مناسب‌تری (مانند صفحه‌کلیدهای فارسی و خطایاب‌های املائی) را برای کاربران فارسی‌زبان خواهند داشت.

ذکر این نکته ضروری است که در این مجموعه شکسته‌نویسی اصولی و گفتاری‌نویسی و نیز برخی ابداعات و نونویسی‌های نگارشی مجاز شمرده شده است؛ زیرا این موارد به قواعدی تبدیل شده‌اند که میان کاربران فارسی‌زبان مشترک‌اند و به‌طور مکرر در تعاملات به کار می‌روند و مشکلی در درک محتوا ایجاد نمی‌کنند، این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اگرچه ما این ابداعات را پذیرفته‌ایم، دستور خط مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی همچنان مرجع شیوه نگارش معیار فارسی است. با عنایت به همین موضوع در پایان این مجموعه فرهنگ املائی داده‌های پیکره پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن قواعد دستور خط مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۴۰۱) ارائه شده است. بار دیگر تأکید می‌کنیم که این مجموعه تنها با هدف راهنمایی کاربران فارسی‌زبان تهیه نشده است، بلکه پایه و اساسی است برای تولید محتوای غیررسمی در زمینه‌های گوناگون و نیز مبنایی است برای طراحی ابزارهای پردازش زبان فارسی، از جمله ویرایشگرها، مبدل‌ها، صفحه‌کلیدهای مناسب فارسی و غیره.

در یک دسته‌بندی کلی، بخش اول این پژوهش شامل دستور خط و طبقه‌بندی قواعد زبانی بر پایه داده‌های فضای مجازی و دربرگیرنده توضیحات و طبقه‌بندی‌های تخصصی است که مخاطبان آن پژوهشگران حوزه‌های مرتبط با زبان و رایانه‌اند. فرهنگ املائی بخش دوم کتاب را تشکیل می‌دهد. در این بخش کوشیده‌ایم ارتباط بین گونه‌های نوشتاری رسمی و غیررسمی را نشان دهیم. این بخش می‌تواند راهنمای کاربران عام خط و زبان فارسی نیز باشد؛ زیرا الگوهایی که ارائه می‌کند شامل همه ابداعات زبانی غیررسمی می‌شود.

۳. مبانی و اصطلاحات پایه

برای توصیف دقیق و روشن شیوه کاربرد زبان فارسی در فضای مجازی لازم است با چند مفهوم و اصطلاح و شیوه تفکیک آن‌ها از یکدیگر آشنا شویم.

۱.۳ ارتباط رایانه محور^۱

ارتباط رایانه محور به ارتباط انسان‌ها از طریق به‌کارگیری دو یا چند ابزار الکترونیکی اطلاق می‌شود. پیش‌تر این اصطلاح تنها شامل ارتباطاتی بود که به‌واسطه رایانه انجام می‌پذیرفت، اما در حال حاضر اصطلاحی پوششی است برای اطلاق به همه انواع ارتباط که با به‌کارگیری فناوری‌های الکترونیکی و رقمی (دیجیتال) تماس برخط و غیربرخط و نیز تماس هم‌زمان و غیرهم‌زمان را بین افراد و گروه‌ها تسهیل می‌کنند. با نگاهی به شیوه کاربرد زبان در ارتباط رایانه محور، به‌طور کلی می‌توان دریافت که این نوع ارتباط ویژگی‌های زبانی خاص خود را دارد؛ ویژگی‌هایی که آن را از سایر اشکال ارتباط متمایز می‌کند. از جمله این ویژگی‌هاست:

۱. کوتاه‌سازی عبارات زبانی برای تسریع ارتباط؛
۲. کاربرد شکلک‌ها و صورتک‌ها برای انتقال احساسات؛
۳. نونویسی یا شیوه‌های نگارشی جدید؛
۴. استفاده از سبک غیررسمی و محاوره‌ای و بهره‌گیری از ویژگی‌های زبان گفتاری در نوشتار؛
۵. غلط‌های املائی چشمگیر؛
۶. فقدان استفاده از علائم سجاوندی یا استفاده خلاقانه از آن‌ها؛
۷. چندزبانی و چندگویی بودن و رمزگردانی مکرر؛
۸. دستور زبان غیراستاندارد؛

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۱۷

۹. چندوجهی بودن و استفاده هم‌زمان از متن، تصویر، ویدئو و صدا؛
۱۰. سازگاری مداوم با اشکال جدید فناوری و در نتیجه نوآوری و ابداع ویژگی‌های جدید.

نکته حائز اهمیت در باب زبان در ارتباط رایانه‌محور این است که به دلیل کمبود سرنخ‌های انتقال معنی (مانند بافت فیزیکی مرتبط، لحن، زبان بدن و غیره) و همچنین میزان کم تبادل اطلاعات اجتماعی در این نوع ارتباط، در مقایسه با ارتباط چهره‌به‌چهره، کاربران همواره می‌کوشند که به نوعی این کمبودها را جبران کنند و روش‌ها و امکاناتی را به کار بگیرند که به وسیله آن‌ها بتوانند حداکثر اطلاعات را به مخاطب منتقل کنند. به همین دلیل، با استفاده از خلاقیت خود، روش‌هایی را ابداع می‌کنند که پیش‌تر در زبان رایج نبوده است. باید به خاطر داشت که این خلاقیت‌ها و ابداعات نامحدود نیستند و برای دستیابی به حداکثر کارایی و ماندگاری باید تابع محدودیت‌هایی باشند و به شکلی منسجم و همه‌پذیر قاعده‌مند شوند.

۲.۳ فضای مجازی

فضای مجازی به شبکه رایانه‌ای بزرگی اطلاق می‌شود که از طریق ابزارهای الکترونیکی، ارتباطات برخط را تسهیل می‌کند و این امکان را برای کاربران فراهم می‌سازد که بتوانند ایده‌ها و اطلاعات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند، با همدیگر تعامل یا بازی کنند، در بحث‌ها یا گروه‌های اجتماعی شرکت نمایند، خرید و فروش کنند و رسانه‌های ویژه خود را ایجاد کنند.

۳.۳ نونویسی

نونویسی عبارت است از یک صورت نوشتاری جدید که پیش‌تر در نوشتار معیار حضور نداشته است و بنابه ضرورت در ارتباطات رایانه‌محور به کار می‌رود. این صورت‌ها که با استفاده از امکانات و علائم موجود در خط و نگارش یک زبان ابداع

می‌شوند، به‌نوعی تنوعات فرهنگی و زبانی جوامع را منعکس می‌کنند. جوامع زبانی از یک سو و گروه‌های اجتماعی حاضر در آن جوامع از سوی دیگر، از روش‌های منحصر به فردی برای نونویسی استفاده می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هریک از نونویسی‌ها منعکس‌کنندهٔ هنجارها، ارزش‌ها و راهکارهای زبانی ویژهٔ آن‌هاست. برای مثال، جامعهٔ فارسی‌زبان از امکانات خط فارسی برای ابداع نونویسی‌ها بهره می‌گیرد و در عین حال، گروه‌های اجتماعی خاص‌تر در جامعهٔ فارسی‌زبان نیز نونویسی‌های خود را دارند، مانند گروه‌های اجتماعی بازی‌های برخط که به هنگام گفت‌وگو دربارهٔ ابعاد گوناگون بازی‌ها شیوه‌های ویژه‌ای را به کار می‌برند. در واقع، از آنجاکه انتقال برخی مفاهیم با نظام‌های نوشتاری سنتی دشوار است کاربران صورت‌های جدید را تا رسیدن به توافق جمعی در استفاده از آن‌ها می‌آزمایند. اگر چنین توافقی حاصل نشود کاربران دائماً دچار سوءتفاهم و عدم درک صحیح از گفت‌وگوها می‌شوند؛ از این رو، تمایل عموم جامعه این است که هرچه سریع‌تر در استفاده از یک صورت حاوی نونویسی به توافق برسند و آن را قاعده‌مند سازند؛ به‌نحوی که برای همگان قابل درک و استفاده باشد. برخی از انواع نونویسی عبارت‌اند از:

- اختصارسازی و کوتاه‌سازی، مانند «چن» به جای «چند»؛

- تکرار آوا، مانند «جاااان» به جای «جان»؛

- حذف، مانند حذف «را» از جمله: «سلام من هم برسون»؛

- تغییر، مانند «مچکرم» به جای «متشکرم»؛

- درج، مانند «اوروپا» به جای «اروپا».

همهٔ این نونویسی‌ها تابع قواعدی هستند که آن‌ها را در مجموعهٔ حاضر طبقه‌بندی کرده‌ایم. این قواعد انواع گفتاری نویسی و به‌تبع آن شکسته‌نویسی را نیز شامل می‌شود. از آنجاکه بیشترین میزان رخداد نونویسی در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود داده‌های این پژوهش نیز از محتوای موجود در این شبکه‌ها

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۱۹

گردآوری شده است، اما پیشنهادهای ارائه شده در این مجموعه در نهایت در حوزه‌های گوناگونی که به نحوی با نوشتار غیررسمی سروکار دارند نیز قابل استفاده است.

ممکن است شیوه‌های مختلف نونویسی مشکلاتی را در ایجاد ارتباط و درک مفاهیم در ارتباطات رایانه محور ایجاد کند. برای نمونه، نونویسی‌ها گاهی بازتاب ابعاد گوناگون خرده فرهنگ‌هاست و به همین دلیل ممکن است درک و تعبیر پیام‌ها برای افراد بیرون از آن خرده فرهنگ‌ها دشوار شود. مثلاً نونویسی‌های مختص گروه نوجوانان ممکن است برای بزرگسالان غیرقابل درک باشد. همچنین استفاده مکرر از نونویسی‌ها ممکن است مخاطب را دچار سردرگمی و متن را دچار ابهام کند. در حوزه ترجمه نیز نونویسی‌ها مشکلاتی جدی ایجاد می‌کنند؛ برای نمونه برگردان نونویسی‌های متکی بر جزئیات فرهنگی اغلب دشوار است. اما به طور کلی، نونویسی‌ها، با تسهیل ارتباط و ایجاد اشکال جدید برای بیان معنی، تأثیر بسزایی در تغییر و شکل‌گیری فرایندهای زبانی نوین دارند. با درک روش‌های استفاده از نونویسی‌ها در ارتباطات رایانه محور می‌توان پیشی در مورد رفتارهای فرهنگی و زبانی و اجتماعی جوامع به دست آورد و تأثیر ارتباطات را در شکل‌دهی به این جوامع و هویت آن‌ها بهتر درک نمود.

دلایل گوناگونی برای ایجاد نونویسی‌ها وجود دارد؛ از جمله عدم اطلاع از شیوه صحیح نگارش واژه‌ها، دست‌کاری آگاهانه و عمدی شیوه نگارش واژه‌ها به منظور نشان دادن پیام یا مفهومی خاص، دسترسی نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری نامناسب هنگام درج واژه‌ها، تعجیل و تلاش برای کمتر کردن زمان نوشتن، حالات روحی و روانی گوناگون کاربر و غیره. لازم است یادآوری شود که تمرکز ما در این پژوهش بر دلایل ایجاد نونویسی‌ها نبوده است؛ به این معنی که این دلایل، هرچه باشد، تأثیری در طبقه‌بندی‌های ارائه شده ندارند و ما هیچ‌گونه قضاوتی درباره درست یا غلط بودن

و پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی بودن داده‌های حاوی نونویسی نداشته‌ایم. طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده تماماً با توجه به میزان رخداد و تکرار نونویسی‌هاست. مطالعه در این حوزه فرصت و شیوه پژوهش متمایزی می‌طلبد که در پژوهش حاضر مد نظر نبوده است.

۴.۳ گفتاری‌نویسی و شکسته‌نویسی

گفتاری‌نویسی عبارت است از به‌کارگیری واژه‌ها، نحو و تلفظ زبان گفتاری در متون نوشتاری. گفتاری‌نویسی معمولاً با استفاده از سه امکان محقق می‌شود:

- نحو گفتاری؛

- واژه‌ها و اصطلاحات گفتاری؛

- تلفظ گفتاری یا همان شکسته‌نویسی (طیب‌زاده، ۱۳۹۸ الف: ۲۶-۲۷).

«صورت شکسته» به واژه یا وند یا گروه واژه‌بستی در نوشتار اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده تلفظ گفتاری است و با تلفظ رسمی آن واژه یا وند یا گروه واژه‌بست تفاوت دارد. به بیان دیگر، شکسته‌نویسی صورت نوشتاری واژه‌ها براساس زبان گفتار است (همان: ۲۳). صلح‌جو (۱۳۹۱) و طیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) آن دسته از قواعد شکسته‌نویسی را که پیش‌تر در آثار ادبی فارسی به کار رفته است، براساس منابع ادبی، استخراج و ارائه کرده‌اند، اما بررسی داده‌های موجود در فضای مجازی نشان می‌دهد که شکسته‌نویسی‌ها محدود به این قواعد نیست؛ به این معنی که کاربران، علاوه بر بهره‌گیری فراوان از قواعد پیشین، با استفاده از امکانات فارسی، قواعد جدیدی برای ارتباط در فضای مجازی بر ساخته‌اند که می‌بایست همگی را استخراج، صورت‌بندی و معرفی کنیم. داده‌های فضای مجازی نشان می‌دهد که برخلاف تصور عموم، نونویسی‌ها و ابداعات کاربران فضای مجازی که گفتاری‌نویسی و شکسته‌نویسی هم جزو آن‌هاست، بی‌قاعده و سلیقه‌ای نیست، بلکه اغلب قاعده‌مند و در میان کاربران فارسی‌زبان مشترک است.

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۲۱

اصول شکسته‌نویسی مندرج در طیب‌زاده (۱۳۹۸ الف)، برای سهولت مقایسه با قواعد شکسته‌نویسی و دیگر قواعد موجود در فضای مجازی، در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. قواعد شکسته‌نویسی در خط فارسی براساس طیب‌زاده (۱۳۹۸ الف)

شماره	نوع قاعده	مصادق قاعده	نمود نوشتاری قاعده
۱	گونه‌های آزاد سبکی	تبدیل /an/ به /un/	نان ← نون
۲	گونه‌های آزاد سبکی	حذف /-r/ پایانی از کلماتی مثل آخر، اگر، دیگر، مگر و غیره	آخر ← آخه
۳	گونه‌های آزاد سبکی	تبدیل «یک» به «به»	یک روز ← به روز
۴	گونه‌های آزاد سبکی	تبدیل «چه» به «چی»	چه کار ← چیکار
۵	گونه‌های آزاد سبکی	حذف کسره اضافه از حرف اضافه	توی ← تو
۶	گونه‌های آزاد سبکی	تبدیل /am/ به /um/	آرام ← آروم
۷	گونه‌های آزاد سبکی	تبدیل «ها»ی جمع به «ا»	کتاب‌ها ← کتابا
۸	گونه‌های آزاد سبکی	حذف صامت از خوشه‌های صامتی در پایان واژه	پوست ← پوس
۹	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند کمتر شدن تعداد هجاها	چهل ← چل
۱۰	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند حذف /h/ پایانی	ارواح ← اروا
۱۱	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند ساده شدن خوشه میان واژه	دفعه ← دفه
۱۲	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند هماهنگی مصوّتی: پسین‌شدگی /æ/ به /a/	ناهار ← ناهار
۱۳	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند هماهنگی مصوّتی: افراشتگی /e/ به /i/	کلید ← کیلید
۱۴	گونه‌های آزاد سبکی	فرایند هماهنگی مصوّتی: افراشتگی /o/ به /u/	دُرود ← دورود

۲۲ ◊ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

شماره	نوع قاعده	مصادق قاعده	نمود نوشتاری قاعده
۱۵	گونه‌های آزاد سبکی	همگونی ناقص محلّ تولید	دنبه ← دنبه
۱۶	گونه‌های آزاد سبکی	موارد متفرّقه دیگر	خانم ← خانوم خوب ← خب این قدر ← انقدر که ← کی تومان ← تومن مردکه ← مرتکه/ مرتیکه آتش ← آتیش پس ← په نگه ← تیکه جگر ← جیگر خُرد ← خورد شش ← شیش کجا ← کوجا کوچک ← کوچیک وَ ← اُ
۱۷	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی شناسه‌های فعل	خوابیدید ← خوابیدین، خوابیدند ← خوابیدن باشد ← باشه
۱۸	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ حذف بخشی از هجای پایانی و ادغام آن با هجای پیش پایانی	بیایم ← پیام

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۲۳

شماره	نوع قاعده	مصدق قاعده	نمود نوشتاری قاعده
۱۹	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ حذف بخشی از دو هجای پایانی و پیش‌پایانی و ادغام آن دو با هم	بشوم ← بشم
۲۰	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ حذف کامل هجای پیش‌پایانی	بیاورم ← بیارم
۲۱	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ حذف بخش پایانه از هجای پیش‌پایانی	بگذارم ← بذارم
۲۲	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ حذف آغازه و قلّه از هجای پیش‌پایانی و ادغام آن با هجای قبل	می‌اندازم ← میندازم
۲۳	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ تغییر مصوّت بن مضارع در گونه نوشتاری به مصوّت /O/ در گونه گفتاری	می‌دوم ← می‌دووم
۲۴	صیغه‌های شکسته فعلی	تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل/ تبدیل صامت /ژ/ در هجای پایانی به /I/	می‌شویم ← می‌شورم
۲۵	صیغه‌های شکسته فعلی	موارد متفرقه/ صورت‌های فعلی شکسته و شکسته‌تر	وایستم ← وایسم ← واسم
۲۶	صیغه‌های شکسته فعلی	موارد متفرقه/ ماضی نقلی	رفته‌ام ← رفته‌م ← رفتم

۲۴ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

شماره	نوع قاعده	مصادق قاعده	نمود نوشتاری قاعده
۲۷	صورت‌های کوتاه‌شدهٔ پی‌بستی	صیغه‌های استن / مختوم به صامت منفصل ا مختوم به صامت متصل ا مختوم به مصوّت /i/ ا مختوم به مصوّت /e/	کارگرید ← کارگرین
۲۸	صورت‌های کوتاه‌شدهٔ پی‌بستی	صیغه‌های استن / مختوم به صوت /u/ ا مختوم به صوت /o/ ا مختوم به صوت /a/	دانشجویید ← دانشجویین
۲۹	صورت‌های کوتاه‌شدهٔ پی‌بستی	بدل «را» به صورت /ro/ یا /o/ // مختوم به صامت ا مختوم به /i/ ا مختوم به /e/ ا مختوم به /ae/ ا مختوم به /u/ ا مختوم به /a/	کتاب را ← کتاب رو ← کتابو
۳۰	صورت‌های کوتاه‌شدهٔ پی‌بستی	ضمایر متّصل ملکی / مختوم به صامت متّصل ا مختوم به صامت منفصل	کتابشان ← کتابشون
۳۱	صورت‌های کوتاه‌شدهٔ پی‌بستی	ضمایر متّصل ملکی / مختوم به صامت متّصل ا مختوم به صامت منفصل ا مختوم به مصوّت /i/ ا مختوم به مصوّت /e/ ا مختوم به مصوّت /u/ ا مختوم به مصوّت /o/ ا مختوم به مصوّت /a/	بستی شان ← بستی یشون ← بستیشون

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۲۵

شماره	نوع قاعده	مصدق قاعده	نمود نوشتاری قاعده
۳۲	صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی	پس از برخی حروف اضافه (از/ به/ با)	ازمان ← ازمون
۳۳	صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی	بدل قید «هم»	بابا هم ← بابانم ← بابام
۳۴	گونه‌های گویشی		مو ← من

به‌طور کلی تمرکز ما در این مجموعه بر دو امکان استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات گفتاری و استفاده از تلفظ گفتاری یا شکسته‌نویسی است. ضمن اینکه در پی بررسی تغییرات نگارشی واژه‌ها و یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها هستیم: واژه‌ها و اصطلاحات گفتاری استفاده‌شده در فضای مجازی از چه نوع است؟ چه قواعدی بر استفاده از شکسته‌نویسی در زبان فارسی در فضای مجازی حاکم است؟ کاربران چه نوع تغییراتی در شیوه نگارش واژه‌ها اعمال می‌کنند؟

همه این موارد را زیر عنوان پوششی «نونویسی» دسته‌بندی کرده‌ایم. بار دیگر باید یادآور شویم که نونویسی‌های موجود در فضای مجازی به‌هیچ‌وجه از مقوله کاربردهای افسارگسیخته و بی‌قاعده به‌شمار نمی‌روند، بلکه بنابه ضرورت، از قواعدی پیروی می‌کنند که در ذهن کاربران فارسی‌زبان مشترک است و هریک از آن‌ها به فراخور و در بافت‌های گوناگون به کار گرفته می‌شود.

۴. پیکره داده‌های زبان فارسی در فضای مجازی

انجام پژوهش‌های زبانی داده‌محور منوط به تهیه پیکره زبانی است. این پژوهش بر قاعده‌مهندسازی شیوه نگارش غیررسمی فارسی متمرکز بوده است و از این‌رو برای به انجام رساندن آن به داده‌هایی که در ارتباطات رایانه‌محور و به‌خصوص گفت‌وگوهای شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود توجه شده است؛ زیرا بیشترین و متنوع‌ترین کاربردهای فارسی غیررسمی در این بسترها مشاهده می‌شود. داده‌های

این پژوهش از سه گونه سبکی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و از شبکه‌های اجتماعی توییتر و اینستاگرام و همچنین پیام‌رسان‌های تلگرام و واتس‌اپ گردآوری شده است؛ به این ترتیب که ابتدا حدود ۲۰ هزار عبارت و جمله را بررسی کردیم و سپس از میان آن‌ها ۲۰۱۷ عبارت یا جمله کامل را، که همگی دارای دست‌کم یک نوع نونویسی هستند، برگزیدیم و به عنوان پیکره پژوهش، آن را مطالعه و بررسی کردیم. این پیکره در مجموع حاوی ۱۴۵۷۳ واژه است. این داده‌ها در نرم‌افزار صفحه‌گسترده (اکسل) سامان‌دهی شده است. همچنین، برای سهولت تعیین مصادیق واژه‌ها و جمله‌ها، تمامی آن‌ها را نمایه‌دار کرده‌ایم. هریک از واژه‌ها در یک ردیف و تحلیل‌های هرکدام در ستون‌های مختلف در مقابل آن آمده است.

چهار سطح تحلیل پیش‌پردازشی بر روی همه داده‌ها انجام پذیرفته است:

الف) درج صورت معیار نونویسی‌ها

برای بررسی دقیق‌تر صورت‌های دارای نونویسی، صورت معیار همه داده‌ها، با در نظر گرفتن دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۴۰۱) در مقابل آن‌ها وارد شده است. برای مثال، صورت معیار واژه «خبرررر» صورت «خبر» است و صورت معیار واژه «ن»، صورت «نه» است. برای شناسایی سریع‌تر واژه‌های مبدأ نونویسی علامت ستاره (*)، در ستونی مجزا، در مقابل واژه برجسته شده است.

ب) آوانویسی داده‌های اصلی و صورت‌های معیار آن‌ها

هریک از صورت‌واژه‌های گردآوری‌شده و معادل معیار آن‌ها به‌طور جداگانه برچسب تلفظ دریافت کرده‌اند. در فرایند برچسب‌گذاری از روش خودکار و ویرایش دستی استفاده شده است. بخشی از مشکلات برچسب‌گذاری آوایی خودکار مربوط است به عدم تشخیص صحیح نونویسی‌ها و نیز واژه‌های دارای هم‌نویسی و هم‌نامی. این مشکلات در ویرایش دستی رفع شده است. در جدول (۲) فهرست نشانه‌های آوایی به‌کاررفته در برچسب‌گذاری آوایی پیکره گزارش شده است.

جدول ۲. نشانه‌های به‌کاررفته در برچسب‌گذاری آوایی

همخوان	نشانه آوانویسی	همخوان	نشانه آوانویسی	واکه	نشانه آوانویسی
ب	b	ش	s	آ-ا	A
پ	p	ع، ء، اُ، وُ، ئ	'	او، و	u
ت، ط	t	غ، ق	q	ای، ی	i
ث، س، ص	s	ف	f	ـَ	a
ج	j	ک	k	ـُ	o
چ	c	گ	g	ـِ	e
ح، ه	h	ل	l	ـِ و	o:
خ	x	م	m		
د	d	ن	n		
ذ، ز، ض، ظ	z	و	v		
ر	r	ی	y		
ژ	z				

(پ) درج بن‌واژه صورت‌واژه‌های گردآوری شده

بن‌واژه‌ها در داده اصلی و معیار یکسان است؛ بنابراین، با در نظر گرفتن داده‌های معیار، برچسب بن‌واژه‌ای هر ردیف از داده‌ها به‌طور خودکار در پیکره درج و خروجی برچسب‌گذاری خودکار توسط فرد ناظر ویرایش شده است.

(ت) برچسب‌گذاری مقوله دستوری صورت‌واژه‌ها

از آنجاکه نونویسی در نگارش بر روی لایه نحو تأثیرگذار نیست؛ برچسب‌گذاری مقولات دستوری برای هر دو داده اصلی و معیار در یک مرحله و به‌صورت خودکار انجام پذیرفته است. در ادامه، فرد ناظر خروجی رایانه را بررسی و ویرایش کرده است. در جدول (۳) فهرست برچسب مقولات دستوری آمده است.

۲۸ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

جدول ۳. فهرست برچسب‌های مقولات دستوری

توضیحات	برچسب مقوله دستوری	عنوان لاتین مقوله دستوری	عنوان مقوله دستوری
	A	Adjective	صفت
	D	Adverb	قید
	P	Post-position	را
حروف ربط عبارت‌اند از حروف ربط هم‌پایه‌ساز «و، یا، نه تنها، بلکه»، متمم‌ساز/ موصولی‌ساز «که» و حروف ربطی مانند «تا، اما»	J	Conjunction	حرف ربط
مانند «فروند»، «قلاده»، «نفر»	L	Classifier	شاخص
	I	Interjection	حرف ندا
	E	Preposition	حرف اضافه
برای واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد فارسی شده‌اند و جزو فهرست واژگانی تثبیت‌شده فارسی‌زبانان نیستند از این علامت استفاده کرده‌ایم. به این صورت که حرف R را درج و بلافاصله بعد از آن حرف اول زبان موردنظر را ثبت کرده‌ایم. برای نمونه، در صورتی که واژه‌ای از انگلیسی گرفته شده باشد از علامت Re، و در صورتی که از عربی گرفته شده باشد علامت Ra را به کار برده‌ایم.	R	Residual	وام‌واژه

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۲۹

عنوان مقوله دستوری	عنوان لاتین مقوله دستوری	برچسب مقوله دستوری	توضیحات
واژه‌بست	Clitic	C	در این پژوهش دو نوع واژه‌بست تعریف شده است: ۱. واژه‌بست‌های معمول فارسی که عبارت‌اند از کسره اضافه، یای نکره، فعل‌های پی‌بستی، ضمایر ملکی متصل، ضمایر شخصی متصل. ۲. واژه‌بست‌های نوشتاری که عبارت‌اند از گونه متصل «را» (o-) و گونه‌های گفتاری ضمایر، گونه متصل «هم» (m-) و گونه گفتاری «و» در عبارت‌هایی مانند «منو تو».
حرف تعریف	Determiner	T	حروف تعریف عبارت‌اند از پرسش‌واژه‌ها، ضمایر اشاره، حرف تعریف، کمیت‌نمای کل «همه» یا جزء «برخی از» و «تعدادی از».
اسم	Noun	N	
عدد	Number	U	
ضمیر منفصل	Pronoun	Z	
فعل	Verb	V	

تحلیل‌های انجام‌پذیرفته در این سطوح در تحلیل اصلی داده‌ها به کار گرفته شده است. داده‌ها در تحلیل اصلی در سه سطح ویژگی‌های نگارشی، ویژگی‌های آوایی - ساخت‌واژی و ویژگی‌های وابسته به بافت بررسی شده‌اند. در تحلیل سطح نگارشی شیوه نگارش داده‌های اصلی و معادل معیار آن‌ها مقایسه شده است تا مشخص شود چه نوعی از تغییر رسم الخطی و نویسه‌ای در واژه‌های دارای نونویسی

به کار رفته است. این تغییرات در چهار دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند که از هر کدام چند قاعده استخراج شده است. قواعد مذکور، با جزئیات دقیق‌تر، در بخش بعدی شرح داده خواهد شد. این چهار دسته از تغییرات نگارشی عبارت‌اند از:

۱. حذف نویسه، مانند: «دگه» به جای صورت معیار «دیگر»؛
۲. تغییر نویسه، مانند: «مسعول» به جای صورت معیار «مسئول»؛
۳. درج نویسه، مانند: «برایه» به جای صورت معیار «برای»؛
۴. تکرار نویسه نمایانگر همخوان، مانند: «خیییلی» به جای صورت معیار «خیلی».

در سطح تحلیل آوایی - ساخت‌واژی برچسب آوانویسی داده‌های اصلی و برچسب آوانویسی معادل معیار آن‌ها مقایسه شده است تا مشخص شود چه نوع تغییر آوایی و ساخت‌واژی‌ای در واژه‌های دارای نونویسی به کار رفته است. این تغییرات در هفت دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند که از هر کدام چند قاعده استخراج شده است. قواعد مذکور، با جزئیات دقیق‌تر، در بخش بعدی شرح داده خواهد شد. این هفت دسته از تغییرات آوایی - ساخت‌واژی عبارت‌اند از:

۱. تکرار واکه، مانند: «ووااااای» به جای «وای»؛
۲. حذف تکواژ، مانند: حذف «که» در جمله، برای نمونه در «دردم اینه از خودی می خورم»؛
۳. درج آوا، مانند: «اون» به جای «او»؛
۴. تغییر آوایی، مانند: «تفاود» به جای «تفاوت»؛
۵. تنوع گونه‌های زبانی، مانند: «منا» به جای «من را»، برای نمونه در «منا بردروستا»؛
۶. کاهش آوایی، مانند: «خو» با تلفظ /xO/ به جای «خوب» با تلفظ /xob/؛
۷. تغییر ساخت‌واژی (استفاده از یک تکواژگونه به جای دیگری)، مانند: «شیطون» به جای «شیطان».

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۳۱

در سطح بافت نیز داده‌های اصلی دارای نونویسی بررسی شده است تا از نظر تأثیر ویژه‌ای که در کلام ایجاد می‌کنند طبقه‌بندی شوند. در این سطح چند قاعده استخراج شده است که با جزئیات دقیق‌تر در بخش بعدی شرح داده خواهد شد. باید به این موضوع توجه کرد که تقریباً در ۵۶ درصد از داده‌ها هیچ‌گونه نونویسی‌ای وجود ندارد و صورت نوشتاری واژه‌های به‌کاررفته در فضای مجازی با صورت نوشتاری معیار مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۴۰۱) یکسان است. بنابراین، حدود ۴۴ درصد از واژه‌ها نونویسی دارند. حدود ۱۱ درصد از مجموع نونویسی‌ها در سطح خط و ویژگی‌های نگارشی، حدود ۳۲ درصد در سطح ویژگی‌های آوایی - ساخت‌واژی، و حدود ۱ درصد در سطح بافت رخ داده است.

۵. ملاحظات درباره نونویسی در خط فارسی

در جدول (۴) میزان تغییرات اعمال‌شده در نوشتار رسمی واژه‌ها در پیکره فضای مجازی گزارش شده است. این جدول نشان‌دهنده درصد نونویسی‌هایی است که نوعی قاعده نگارشی، آوایی - ساخت‌واژی یا بافت‌وابسته دریافت کرده‌اند.

جدول ۴. نتایج کلی میزان اعمال قواعد

داده‌های دارای نونویسی		داده‌های بدون نونویسی
واژه‌های دارای بیش از یک نونویسی	واژه‌های دارای یک نونویسی	
۱۰/۰۸	۳۳/۰۲	۵۶/۹۰

همان‌گونه که در جدول بالا مشخص است در ۵۶/۹۰ درصد از داده‌ها هیچ‌گونه نونویسی یا تغییری رخ نداده و صورت نوشتاری کاربران فارسی در فضای مجازی با صورت نوشتاری معیار یکسان است. این درصد به این معناست که ۴۳/۱۰ درصد از واژه‌های نوشته‌شده در فضای مجازی دارای نوعی نونویسی است

۳۲ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

که درصد قابل توجهی است و اهمّیت بررسی آن را برجسته تر می کند. شایان ذکر است در ۳۳/۰۲ درصد از واژه ها تنها یک قاعده اعمال شده و در ۱۰/۰۸ درصد یک واژه چندین نوع نونویسی دارد.

در جدول (۵) گزارشی از میزان نونویسی ها به تفکیک سه سطح نگارشی، آوایی - ساخت واژی و بافتی ارائه شده است. به طور کلی، ۱۲/۲۶ درصد از مجموع نونویسی ها در سطح خط و نگارش، ۳۶/۰۴ درصد از مجموع نونویسی ها در سطح آوایی - ساخت واژی و ۰/۹۸ درصد از مجموع نونویسی ها بافت وابسته است که این نوع نونویسی می تواند جزو نونویسی های نگارشی نیز تلقی گردد. در ۵۶/۱۱ درصد از مجموع نونویسی های نگارشی، ۳۱/۸۵ درصد از مجموع نونویسی های آوایی - ساخت واژی و همچنین تمامی داده های دارای نونویسی بافت وابسته تنها یک قاعده اعمال شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل داده ها از نظر تکرارپذیری یا تکرارناپذیری قواعد هر سه سطح تحلیل

ویژگی های نگارشی		ویژگی های آوایی - ساخت واژی		ویژگی های وابسته به بافت	
با تکرار	عدم تکرار	با تکرار	عدم تکرار	با تکرار	عدم تکرار
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
۰/۷۰	۳۱/۸۵	۴/۱۹	۰/۹۸	۰	۵۶/۱۱
۱۲/۲۶		۳۶/۰۴		۰/۹۸	

لازم است یادآوری شود که به طور کلی ۴۳/۱۰ درصد از محتوای گردآوری شده از فضای مجازی دارای نونویسی است. در حالی که با تجمیع تحلیل داده ها از نظر تکرارپذیری یا اعمال تنها یک قاعده بر یک واژه در جدول (۵) به عدد ۴۹/۲۸ درصد می رسیم. اختلاف این دو عدد بیانگر این نکته است که در ۱/۲۹ درصد از داده ها چند قاعده متفاوت، بدون تکرار، بر روی یک واژه اعمال شده است. برای نمونه، در عبارت «مطمینی» (مطمئن هستی) یک قاعده نگارشی از نوع تغییر (تغییر

نویسه «ئ» به «ی») و یک قاعده آوایی - ساخت‌واژی از نوع تغییر (صیغه‌های «استن») رخ داده است. همچنین در ۴/۸۹ درصد از داده‌ها چند قاعده متفاوت، با تکرار، روی یک واژه اعمال شده است. برای نمونه در عبارت «عصفناک» (اسفناک است)، یک قاعده آوایی - ساخت‌واژی (حذف «است» از عبارت)، یک قاعده نگارشی از نوع حذف (حذف نویسه «ه» به معنی «است») و یک قاعده نگارشی دیگر از نوع تغییر (تغییر نویسه «ع» به جای نویسه «ا»)، و تغییر نویسه «س» به نویسه «ص») رخ داده است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، داده‌های حاوی نونویسی در پیکره داده‌های زبان فارسی در فضای مجازی در سه سطح نگارشی، آوایی - ساخت‌واژی و بافتی قرار می‌گیرند؛ به این معنا که برخی از نونویسی‌ها تنها در سطح نوشتار رخ می‌دهند و داده‌های حاوی نونویسی، نسبت به داده‌های معیار، فقط در نوع نویسه‌ها متفاوت‌اند، بدون اینکه تغییر آوایی و ساخت‌واژی خاصی در آن‌ها ایجاد شود. برخی دیگر از داده‌های حاوی نونویسی داده‌هایی هستند که تغییر در نوشتار آن‌ها منجر به تغییر آوایی یا ساخت‌واژی می‌شود. همچنین برخی از نونویسی‌ها، هم‌زمان با تغییرات نگارشی و آوایی - ساخت‌واژی، تأثیر بافت‌وابسته ویژه‌ای دارند. این سه سطح را به این دلیل در بخش‌های ۵ تا ۷ و متمایز از یکدیگر تحلیل کرده‌ایم که اولاً، ماهیت تغییرات در آن‌ها با یکدیگر متفاوت است، و ثانیاً، در معیارسازی نونویسی‌ها نیازمند راهکارهای متفاوتی برای هریک از این سطوح بودیم.

۶. نونویسی‌های نگارشی

نونویسی‌های نگارشی در چهار دسته مجزا قرار می‌گیرند:

۱. نویسه‌ای از صورت‌واژه حذف می‌شود، بدون اینکه تغییری در تلفظ آن ایجاد

شود؛

۳۴ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

۲. یک نویسه از صورت‌واژه به نویسه‌ای دیگر تبدیل می‌شود، بدون اینکه تغییری در تلفظ آن ایجاد شود؛

۳. یک نویسه به صورت‌واژه اضافه می‌شود، بدون اینکه تغییری در تلفظ آن ایجاد شود؛

۴. یک نویسه (نویسه نمایانگر یک همخوان) در صورت‌واژه تکرار می‌شود، بدون اینکه تغییری در تلفظ ایجاد شود (در واقع، از آنجاکه هنگام ادا کردن یک واژه همخوان‌های آن امکان کشش و تکرار را ندارند، هنگامی که در نوشتار فضای مجازی نویسه نمایانگر یک همخوان تکرار می‌شود، تلفظ تغییری نمی‌کند و فقط از لحاظ بصری تأکیدی به واژه اضافه می‌شود).

بنابراین حذف، تغییر، درج و تکرار حروف از جمله ویژگی‌های نگارشی هستند که در خط تجلی می‌یابند. در جدول (۶) نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها براساس ویژگی‌های نگارشی گزارش شده است. مطابق پیکره گردآوری‌شده، حذف حروف پرکاربردترین و رایج‌ترین نونویسی نگارشی در فضای مجازی است و قاعدتاً با هدف تسهیل نگارش الکترونیکی و سرعت در تحریر حروف رخ می‌دهد. کم‌کاربردترین ویژگی نگارشی تکرار حروف است که اغلب برای تأکید یا بیان رابطه صمیمانه به کار می‌رود.

جدول ۶. نتایج تحلیل داده‌ها براساس ویژگی‌های نگارشی

تکرار حروف	درج حروف	تغییر حروف	حذف حروف	
۴۶	۲۴۶	۴۶۳	۱۱۴۲	بسامد مطلق
۰٫۳۲	۱٫۶۹	۳٫۱۸	۷٫۸۴	بسامد نسبی

معیار ما برای طبقه‌بندی نونویسی‌ها در دسته‌های ذکر شده نتیجه مقایسه صورت نگارشی داده اصلی و صورت نگارشی معادل معیار آن بوده است. بنابراین، از نگاه خواننده، یک صورت‌واژه، در مقایسه با صورت معیارش، از نظر نگارشی متفاوت

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۳۵

است، اما این تفاوت به تغییر آوایی - ساخت‌واژی آن منجر نشده است. در جدول (۷) اولین دسته از نونویسی‌های نگارشی حاوی حذف نویسه از صورت‌واژه، همراه با نمونه‌هایی واقعی از پیکره و همچنین پیشنهادی برای معیارنویسی هر قاعده، فهرست شده است. لازم است یادآوری شود که در درج مثال‌های حاوی نونویسی، به‌صورت آگاهانه، فاصله‌گذاری معیار را رعایت نکرده‌ایم تا دقیقاً آنچه در فضای مجازی به کار رفته است درج شود، اما در مثال‌های صورت‌های پیشنهادی فاصله‌گذاری معیار را رعایت کرده‌ایم.

جدول ۷. نونویسی‌های نگارشی حاوی حذف نویسه

شماره	قاعده نونویسی	مثال ۱	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	حذف «ه» از واژه‌های مختوم به «ه»	ک	درج «ه» در واژه‌هایی که «ه» پایانی آن‌ها حذف شده است	که
۲	حذف «ه» (صورت کوتاه‌شده «است»)	موفقیت	درج «ه» (صورت کوتاه‌شده «است»)	موفقیت
۳	حذف «ال» از واژه‌های دخیل عربی	وسلام	درج «ال» به واژه‌های دخیل عربی که در فارسی نیز با «ال» خوانده و نوشته می‌شوند	والسلام
۴	حذف «ع» از واژه	راجع	درج «ع» در واژه‌های حاوی آن	راجع‌به

۱. برخی از نمونه‌هایی که در این جدول و جدول‌های بعدی آمده ممکن است حاوی بیش از یک نونویسی از انواع مختلف باشد.

۳۶ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

شماره	قاعده نونویسی	مثال ۱	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۵	حذف «و» در واژه‌های دارای «خوا»	خاب	درج «و» در واژه‌های دارای «خوا»	خواب
۶	حذف نویسهٔ تنوین	بعدا	درج نویسهٔ تنوین در واژه‌های حاوی آن	بعداً
۷	حذف «و» ربط در ترکیبات عطفی	کوفت زهرمار	درج «و» ربط در ترکیبات عطفی	کوفتو زهرمار/ کوفت و زهرمار
۸	حذف صورت واژه‌بستی «را»، یعنی «و»	عمرتون	درج صورت واژه‌بستی «را»، یعنی «و»	عمرتونو
۹	حذف همزه از واژه	مسولین	درج همزه در واژه‌های حاوی آن	مسئولین
۱۰	حذف «ی» میانجی در ساخت اضافه	نگاه‌ها «باید نگاه‌ها بد مردم تحمل کنیم»	درج «ی» میانجی در ساخت‌های اضافهٔ حاوی آن	نگاه‌های
۱۱	حذف «ی» یا «ای» نکره	کار «خوب کار کردم»	درج «ی» یا «ای» نکره در واژه‌های حاوی آن	کاری
۱۲	حذف «و» از صورت گفتاری «را»، یعنی «رو»	ر «اینار گذاشته برای فروش»	درج «و» در صورت گفتاری «را»، یعنی «رو»	رو/را

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۳۷

شماره	قاعده نونویسی	مثال ۱	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱۳	حذف وند اسم ساز «-ی»	بی توجه «بی توجه همسرم به من»	درج وند اسم ساز «-ی» در واژه‌های حاوی آن	بی توجهی
۱۴	حذف «و» استثناء از واژه	خرد	درج «و» استثناء در واژه‌های حاوی آن	خورد
۱۵	حذف «ی» از واژه	دگه	درج «ی» در واژه‌های حاوی آن	دیگه
۱۶	حذف یک نویسه از دو نویسه مانند هم، زمانی که به هم می‌رسند و موجب ایجاد تولید ناقص می‌شوند	صدرد	درج نویسه‌ای که با نویسه مجاورش همانند است و موجب ایجاد تولید ناقص می‌شود	صددرصد
۱۷	سایر حذف‌ها	صفه	درج نویسه‌هایی که جزو واژه هستند و حذف آن‌ها موجب بدخوانی می‌شود	صفحه

۸/۷ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی در پیکره به حذف اختصاص دارد که بیشترین میزان میان چهار دسته از نونویسی‌های نگارشی است. چنین آماری از پدیده حذف نویسه طبیعتاً پیش‌بینی پذیر بود؛ زیرا براساس اصل کم‌کوشی، تمایل کاربران در فضای مجازی به هرچه کوتاه‌تر کردن پیام‌هاست. در هجده مورد از داده‌های پیکره دو فرایند حذف اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، در «یوق» به جای صورت معیار «یک‌وقت» یا «دگ» به جای صورت معیار «دیگر». قاعده شماره (۱۴) در جدول (۷)، که مربوط به حذف «و» استثناء است، در مجموعه قواعد

۳۸ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

طیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) در قاعده شماره (۱۶)، که مربوط به «گونه‌های آزاد سبکی: موارد متفرقه» است، قرار گرفته که به دلیل بسامد بالای رخداد آن در پیکره این پژوهش، قاعده‌ای مجزا برای آن در نظر گرفتیم.

نونویسی‌های حاوی حذف نویسه در اغلب موارد موجب سخت‌خوانی و ابهام می‌شوند. بنابراین، لازم است مطابق صورت پیشنهادی‌ای که در جدول (۷) آمده است به کار گرفته شوند. همچنین قاعده شماره (۶) که مربوط به حذف تنوین و قاعده شماره (۹) که مربوط به حذف همزه است، با تعبیهٔ کلید مستقیم به جای کلید میان‌بر برای درج تنوین و همزه در صفحه کلید فارسی مرتفع خواهد شد.

در جدول (۸) دومین دسته از نونویسی‌های نگارشی که حاوی تغییر نویسه در صورت‌واژه‌اند آمده است. ۳/۱ درصد از کل نونویسی‌ها در پیکره به تغییر اختصاص دارد و دومین رده را در میان چهار دستهٔ نونویسی‌های نگارشی داراست. این مقوله در واقع همان غلط‌های املائی کاربران است که برخی از آن‌ها با اهداف کاربردشناختی، برخی دیگر به دلیل خطای آنی و برخی دیگر به دلیل نداشتن دانش کافی دربارهٔ املائی واژه رخ می‌دهد. در چهارده مورد از داده‌های پیکره دو فرایند تغییر اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، در «عصفاک» به جای صورت معیار «اسفناک».

جدول ۸. نونویسی‌های نگارشی حاوی تغییر نویسه

شماره	قاعدهٔ نونویسی	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	«ا» به جای «آ»	اب	درج «آ» در واژه‌های حاوی آن	آب
۲	«ع» به جای «ئ»	مسعول	درج «ئ» به جای «ع» در واژه‌های حاوی آن	مستول

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۳۹

شماره	قاعده نونویسی	مثال	پیشنهاد	پیشنهادی برای صورت مثال
۳	تبدیل انواع نویسه‌های نمایاننده آوای Z به یکدیگر	گزاشتن، حزانت، حوضه	درج صحیح انواع نویسه‌های نمایاننده آوای Z در واژه‌های حاوی آن‌ها	گذاشتن، حضانة، حوزه
۴	«ا» به جای «أ»	متاهل	درج «أ» به جای «ا» در واژه‌های حاوی آن	متاهل
۵	«ع» به جای «ا» و برعکس	عستاد، اربدہ	درج صحیح «ا» به جای «ع» در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «ع» به جای «ا» در واژه‌های حاوی آن	استاد، عربده
۶	«ع» به جای «ه» آخر و برعکس	طرفع، موقه	درج صحیح «ه» به جای «ع» آخر در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «ع» به جای «ه» آخر در واژه‌های حاوی آن	طرفه، موقع
۷	«ی» به جای «ئ» برعکس	مطمین	درج صحیح «ئ» به جای «ی» در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «ی» به جای «ئ» در واژه‌های حاوی آن	مطمین
۸	«-» به جای «ه» (صورت کوتاه‌شده «است»)	تلخ	درج «ه» (صورت کوتاه‌شده «است») به جای «-»	تلخه
۹	«ن» به جای «أ»	اصلن	درج «أ» به جای «ن» در واژه‌های حاوی آن	اصلاً

۴۰ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

شماره	قاعدهٔ نونویسی	مثال	پیشنهاد	پیشنهادی برای صورت مثال
۱۰	«و» به جای «ـ» و برعکس	دونبال، قول	درج صحیح «ـ» به جای «و» در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «و» به جای «ـ» در واژه‌های حاوی آن	دنبال، قل
۱۱	«ت» و «د» به جای «ط» و برعکس	غلت، طلقی، فقد	درج صحیح «ت»، «د» و «ط» در واژه‌های حاوی آن‌ها	غلط، تلقی، فقط
۱۲	«ه» به جای «ح» و برعکس	هواس، راح حل	درج صحیح «ح» به جای «ه» در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «ه» به جای «ح» در واژه‌های حاوی آن	حواس، راه‌حل
۱۳	تبدیل انواع نویسه‌های نمایانندهٔ آوای s به یکدیگر	مسمم، کسافت کاری	درج صحیح انواع نویسه‌های نمایانندهٔ آوای s در واژه‌های حاوی آن‌ها	مصمم، کثافت‌کاری
۱۴	«ق» به جای «غ» و برعکس	قبطه، غالب	درج صحیح «غ» به جای «ق» در واژه‌های حاوی آن؛ درج صحیح «ق» به جای «غ» در واژه‌های حاوی آن	غبطه، قالب
۱۵	سایر تغییرها	مسولان، میخان	درج صحیح نویسه‌ها در واژه‌ها به جای تبدیل آن‌ها به یکدیگر	مستولان، می‌خوان

گاهی نونویسی‌های حاوی تغییر نویسه موجب سخت‌خوانی و ابهام می‌شوند. برخی از این نوع نونویسی‌ها به دلیل وجود چند نویسه و شکل نوشتاری برای یک

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۴۱

آوای خاص رخ می‌دهد؛ مانند قواعد شماره ۲، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ در جدول (۸). این مشکل در نگارش فارسی همیشگی بوده و با گسترش ارتباطات رایانه محور پررنگ‌تر نیز شده است و به نظر می‌رسد برای برطرف کردن آن باید راهکاری عملی در سطح کلان پیشنهاد شود. برخی دیگر از این قواعد به دلیل عدم وجود کلید مستقیم در صفحه کلیدهای فارسی برای شماری از نویسه‌هاست؛ مانند قواعد شماره ۱ و ۴ در جدول (۸). برای رفع این مشکل می‌توان راهبردهایی همچون طراحی کلید مستقیم به جای کلید میان‌بر را مد نظر داشت.

در جدول (۹) نونویسی‌های نگارشی دسته ۳ که حاوی درج نویسه در صورت‌واژه‌اند آمده است. ۱/۶ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی به درج اختصاص دارد که به این ترتیب در سومین رده در میان چهار دسته نونویسی‌های نگارشی جای گرفته است. برخی از این نونویسی‌ها با اهداف کاربردشناختی و برخی دیگر به دلیل عدم آگاهی کاربر درباره املای واژه رخ می‌دهد. در سه مورد از داده‌های پیکره دو فرایند درج اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، «دوغول» به جای صورت معیار «دهل».

جدول ۹. نونویسی‌های نگارشی حاوی درج نویسه

شماره	قاعده نونویسی	مثال	پیشنهاد	پیشنهادی برای صورت مثال
۱	درج «ه» به جای کسره اضافه	بیخه	عدم درج «ه» به جای کسره اضافه یا درج «س» برای کسره اضافه	بیخ
۲	درج «ع» به جای «ا» و «آ» یا در کنار آن‌ها	عامریکا	عدم درج «ع» به جای «ا» و «آ» یا در کنار آن‌ها	آمریکا
۳	سایر درج‌ها	به ایست	عدم درج نویسه‌های اضافه در ساختمان واژه	بایست

۴۲ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

درج نویسه در برخی موارد، مانند قاعده شماره (۲) در جدول (۹)، ممکن است هدفی کاربردشناختی داشته باشد و از این رو باید گاهی به عنوان راهبرد ارتباطی ویژه‌ای در فضای مجازی پذیرفته شود. سایر موارد درج نویسه، که همگی نتیجه هم‌آوایی نشانه‌های خط فارسی است، باید مطابق صورت معیار باشد.

در جدول (۱۰) نونویسی‌های نگارشی دسته چهار، یعنی همان تکرار نویسه نمایانگر همخوان در صورت‌واژه، آمده است. ۳/۰ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی در پیکره به تکرار نویسه نمایانگر همخوان اختصاص دارد که آخرین رده را در میان چهار دسته نونویسی‌های نگارشی داراست و با هدف تأکید رخ می‌دهد. تکرار نویسه نمایانگر همخوان نیز هدفی کاربردشناختی و ویژه را دنبال می‌کند و نمی‌توان با ارائه راهکاری خاص از وقوع آن جلوگیری کرد. در سه مورد از داده‌های پیکره دو فرایند تکرار نویسه نمایانگر همخوان اتفاق افتاده است؛ برای نمونه در «چشششمم» به جای صورت معیار «چشم».

جدول ۱۰. نونویسی‌های نگارشی حاوی تکرار نویسه نمایانگر همخوان

شماره	قاعده	مثال	صورت معیار
۱	تکرار همخوان به قصد تأکید بر مفهوم	اخمممم	اخم

۷. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی

نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی در هفت دسته مجزا طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. یک تکواژگونه به جای تکواژگونه‌ای دیگر به کار می‌رود و سبب تغییر

ساخت‌واژی می‌شود؛

۲. یک آوا از یک صورت‌واژه حذف می‌شود و سبب تغییر آوایی آن می‌شود؛

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۴۳

۳. یک آوا در یک صورت‌واژه به آوایی دیگر تبدیل می‌شود و سبب تغییر تلفظ صورت‌واژه می‌شود؛

۴. یک تکواژ از یک صورت‌واژه حذف می‌شود؛

۵. یک صورت‌واژه از زبان یا گویشی دیگر به جای صورت‌واژه معیار به کار می‌رود؛

۶. واژه‌ای در یک واژه تکرار می‌شود و سبب تغییر تلفظ واژه و خوانده شدن آن با کشش می‌شود؛

۷. یک آوا به یک صورت‌واژه اضافه می‌شود.

خلاصه نتایج حاصل از تحلیل پیکره تهیه شده براساس ویژگی‌های آوایی - ساخت‌واژی در جدول (۱۱) آمده است. ۴۰/۶۰ درصد از تغییرات اعمال شده در پیکره مربوط به تغییرات آوایی - ساخت‌واژی است. همان‌طور که در جدول پیداست، تغییر ساخت‌واژی بیشترین وقوع و درج آوا کمترین وقوع را در کل پیکره به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل داده‌ها براساس ویژگی‌های آوایی - ساخت‌واژی

درج آوا	تکرار آوا	تنوع گونه‌های زبانی	حذف تکواژ	تغییر آوایی	کاهش آوایی	تغییر ساخت‌واژی	
۱۰	۳۳	۱۲۸	۲۸۰	۶۶۲	۷۱۷	۴۰۸۶	بسامد مطلق
۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۸۸	۱/۹۲	۴/۵۴	۴/۹۲	۲۸/۰۴	بسامد نسبی

۴۴ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی پیکره‌داده‌های فارسی در فضای مجازی با قواعد معرفی‌شده در طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) نیز مقایسه شده و در جدول (۱۲) آمده است. همه قواعد شکسته‌نویسی معرفی‌شده در طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) در قالب نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی می‌گنجند و تمامی آن‌ها در داده‌های فضای مجازی دیده می‌شوند، اما براساس نتایج به‌دست‌آمده، شکسته‌نویسی و نونویسی فارسی در فضای مجازی از تعداد و تنوع بیشتری برخوردار است.

جدول ۱۲. مقایسه تحلیل داده‌های فضای مجازی با قواعد معرفی‌شده در طبیب‌زاده

(۱۳۹۸ الف)

منبع	تغییر ساخت‌واژی	کاهش آوایی	تغییر آوایی	حذف تکواژ	تنوع گونه‌های زبانی	تکرار آوا	درج آوا
فضای مجازی	۲۸/۰۴	۴/۹۲	۴/۵۴	۱/۹۲	۰/۸۸	۰/۲۳	۰/۰۷
طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف)	۲۲/۲۵	۴/۳۶	۴/۱۲	۱/۶۱	۰/۵۰	۰	۰

معیار ما برای قرار دادن نونویسی‌ها در دسته‌های هفت‌گانه از مقایسه برچسب آوانویسی داده‌های اصلی و برچسب آوانویسی معادل معیار آن‌ها به دست می‌آید. بنابراین، از نگاه خواننده، یک صورت‌واژه در مقایسه با شکل معیار همان صورت‌واژه تلفظ متفاوتی دارد. تغییر آوایی و ساخت‌واژی در نونویسی‌ها درهم‌تنیده است و تغییر در یکی از این سطوح به تغییر در سطحی دیگر منجر می‌شود. به همین دلیل، نونویسی‌های آوایی و نونویسی‌های ساخت‌واژی در یک دسته‌بندی کلی قرار گرفته‌اند. قواعد حاکم بر نونویسی‌های هفت‌گانه فوق، همراه با نمونه‌های واقعی آن‌ها، و همچنین پیشنهاد ما برای هر قاعده در ادامه آمده است. طبقه‌بندی‌هایی که از این هفت دسته ارائه کرده‌ایم قواعد نونویسی جدیدی است که با توجه به تعاریف ارائه‌شده، از نوع شکسته‌نویسی به شمار می‌روند، اما در طبیب‌زاده (۱۳۹۸ الف) و صلح‌جو (۱۳۹۱)

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۴۵

نیامده‌اند. این موارد در جدول‌ها با علامت ستاره مشخص شده‌اند. با وجود آنکه هریک از انواع قواعد شکسته‌نویسی طبیعتاً در فضای مجازی پیش‌بینی‌پذیر و پذیرفتنی است معیارنویسی پیشنهادی هرکدام را نیز افزوده‌ایم تا در تهیه ابزارهای خودکار پردازش خط و زبان فارسی به کار برده شود. بار دیگر یادآوری این نکته ضروری است که در درج مثال‌های حاوی نونویسی، به صورت آگاهانه، فاصله‌گذاری معیار را رعایت نکرده‌ایم تا دقیقاً آنچه در فضای مجازی به کار رفته است درج شود، اما در مثال‌های صورت‌های پیشنهادی فاصله‌گذاری معیار رعایت شده است.

در جدول (۱۳) اولین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی، حاوی تبدیل یک تکواژگونه به تکواژگونه دیگر، آمده است. ۲۸ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی در پیکره حاضر به تغییرات ساخت‌واژی اختصاص دارد که بالاترین میزان نونویسی را در کل پیکره نشان می‌دهد. در ۲۸۱ مورد از داده‌های پیکره دو یا سه فرایند تغییر آوایی - ساخت‌واژی اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، «کاراشو» به جای صورت معیار «کارهایش را»، که در آن «-ها»ی جمع به «-ا»، ضمیر متصل ملکی به صورت کوتاه‌شده آن پس از «های» جمع، و پس اضافه «را» به صورت کوتاه‌شده پی‌بستی آن، یعنی /O/، تغییر یافته‌اند.

جدول ۱۳. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تغییر ساخت‌واژی

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	گونه‌های مختلف فعل «است»	همش در حال فعالیه	درج صورت کامل فعل «است»	همه‌اش در حال فعالیت است
۲	صورت کوتاه‌شده ضمیر متصل پس از «-ها»ی جمع	اشارش تو زندگی و بچه هات معلوم	درج صورت کامل ضمایر متصل پس از «-ها»ی جمع	آشارش توی زندگی و بچه‌هایت معلوم است

۴۶ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۳	استفاده از تکواژگونه /o/ به جای «را»	طلاق اولین راه انتخاب نکن	درج «را» به جای تکواژگونه /o/	طلاق را اولین راه انتخاب نکن
۴	استفاده از تکواژگونه /â/ به جای «ها»ی تأکید	منتظر تو بودما	درج «ها»ی تأکید به جای تکواژگونه /â/	منتظر تو بودم ها
۵	استفاده از تکواژگونه‌های ضمایر متصل پس از کلمات منتهی به /h/	رفتارهایش انقدر زنده که...	درج صورت کامل ضمایر متصل پس از کلمات منتهی به /h/	رفتارهایش آن قدر زنده است که ...
۶	استفاده از تکواژگونه /o/ به جای «و» عطف	پدر مادرم قلیون خیلی بد می دونن	درج «و» ربط به جای تکواژگونه /o/	پدر و مادرم قلیان را خیلی بد می دانند
۷	استفاده از کسره اضافه به جای «از»	بعد چند ماه رف	درج «از» به جای کسره اضافه در واژه‌های حاوی آن	بعد از چند ماه رفت
۸	استفاده از تکواژگونه‌های ضمایر متصل مفعولی	تمومش کنید دیگه	درج صورت کامل ضمایر متصل مفعولی	تمامش کنید دیگه
۹	استفاده از تکواژگونه‌های ضمایر متصل فاعلی	یادت نرفته که من رو داری	درج صورت کامل ضمایر متصل فاعلی	یادت نرفته است که من را داری

در جدول (۱۴) دومین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی، حاوی حذف یک آوا در صورت‌واژه، آمده است. ۴/۹ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی در پیکره حاضر به کاهش آوایی اختصاص یافته که به این ترتیب در کل پیکره سومین و در میان نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی دومین رده قرار گرفته است. در ۱۷ مورد از داده‌های پیکره دو یا سه فرایند کاهش آوایی اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، نونویسی «یه‌وخ» به جای صورت معیار «یک‌وقت».

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۴۷

جدول ۱۴. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع کاهش آوایی

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	فرایند ساده شدن خوشهٔ انتهای واژه	همه چی رو بندازه گردن خودتون	درج صورت کامل خوشهٔ انتهای واژه	همه‌چیز را ببندازد گردن خودتان خودتون
۲	فرایند حذف پایانی	چرا... اون موق واس من نمی‌خریدین	درج پایانی در واژه‌های حاوی آن	چرا... آن موقع واسه من نمی‌خریدید

در جدول (۱۵) سومین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی، حاوی تبدیل یک آوا به آوای دیگر، آمده است. ۴/۵ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی مربوط به تغییر آوایی است که به این ترتیب در کل پیکره چهارمین و در میان نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی سومین رده را در اختیار دارد. در دو مورد از داده‌های پیکره، دو فرایند تغییر آوایی اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، در «بادوما انسیه رو میدم به تو» به جای صورت معیار «بادام‌های انسیه را می‌دهم به تو»، در «بادوما» دو قاعده تبدیل \hat{a} به u و تبدیل «ی» نشانهٔ اضافه به «-» اعمال شده است.

جدول ۱۵. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تغییر آوایی

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	واکرفتگی در انتهای واژه	تفاوت سنیم با شوهرم ۱۷ سال	عدم درج صورت واکرفته در انتهای واژه	تفاوت سنی ام با شوهرم ۱۷ سال است
۲	تبدیل «ی» نشانهٔ اضافه به «-» در واژه‌های مختوم به \hat{a} و u	نقطه ضعفها ما توی جمع گفته	درج «ی» در ساخت اضافه به جای «-» در واژه‌های مختوم به \hat{a} و u	نقطه‌ضعف‌های ما را توی جمع گفته است

۴۸ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

جدول (۱۶) چهارمین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی و حاوی حذف یک تکواژ در یک صورت‌واژه است. حذف تکواژ ۱/۹ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی را در پیکره موجود در بر می‌گیرد و از این نظر در کل پیکره ششمین و در میان نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی چهارمین رده را در اختیار دارد. در چهار مورد از داده‌های پیکره دو فرایند حذف تکواژ اتفاق افتاده است؛ برای نمونه، در «انجام شده اینا دارن سریع اعلام می‌کنن» به جای صورت معیار «انجام شده است که این‌ها دارند سریع اعلام می‌کنند»، که در آن «است» و «که» حذف شده‌اند.

جدول ۱۶. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع حذف تکواژ

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	حذف تکواژ «که» در جمله	مئه توافقی با ترامپ کردن	درج تکواژ «که» در جمله‌های حاوی آن	مثل توافقی که با ترامپ کردند
۲	حذف تکواژ «اگر» در جمله	میخوای کات کنی کات کن	درج تکواژ «اگر» در جمله‌های حاوی آن	اگر می‌خواهی کات کنی کات کن
۳	حذف حرف اضافه «به» از ابتدا یا انتهای عبارت	میدنش خانواده‌اش	درج حرف اضافه «به» در ابتدا یا انتهای عبارت‌های حاوی آن	می‌دهندش به خانواده‌اش
۴	حذف تکواژ «را»	کف سفره‌ام لیس زدن	درج تکواژ «را» در جمله‌های حاوی آن	کف سفره را هم لیس زدند

در جدول (۱۷) پنجمین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی، حاوی کاربرد صورت‌واژه‌ای از یک زبان یا گویش، آمده است. تنوع گونه‌های زبانی ۰/۸ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی را در پیکره تهیه شده به خود اختصاص داده است که به این ترتیب در کل پیکره هشتمین و در میان نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی پنجمین رده را در اختیار دارد. راهکاری که می‌تواند در مورد واژه‌های بیگانه‌ای که در گفت‌وگوهای فضای مجازی به کار گرفته شود (قاعده ۱ در

دستور خط فارسی غیررسمی ◇ ۴۹

جدول ۱۷) ترغیب کاربران به استفاده از معادل‌های فارسی موجود و مصوب آن‌ها از یک‌سو، و از سوی دیگر تسریع کار واژه‌گزینی برای وام‌واژه‌های جدید در فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. نونویسی‌هایی از نوع قاعده ۲ از جمله نونویسی‌هایی هستند که کاربران آن‌ها را به صورت آگاهانه و برای انتقال مفهومی ثانویه به کار می‌برند؛ بنابراین، نمی‌توان راهکار ویژه‌ای برای استانداردسازی آن‌ها ارائه کرد.

جدول ۱۷. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تنوع‌گونه‌های زبانی

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	کاربرد واژه‌های بیگانه در فارسی	توی اون تایم هیچ عایدی واسم نداشت	کاربرد واژه‌های فارسی به جای واژه‌های بیگانه	توی آن زمان هیچ عایدی‌ای واسهام نداشت
۲	کاربردهای واژگانی گروهی خاص	عسیسم باهش حرف بزن		

در جدول (۱۸) ششمین دسته از نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی، حاوی تکرار یک واکه در صورت‌واژه، آمده است. تکرار واکه $\frac{۰}{۲}$ درصد از کل نونویسی‌های فضای مجازی را در پیکره موجود به خود اختصاص داده است که از این نظر در کل پیکره دهمین و در میان نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی ششمین رده را داراست. تکرار واکه نیز هدفی کاربرشناختی و ویژه را دنبال می‌کند و از این‌رو نیازی به ارائه راهکاری برای توقف استفاده از آن وجود ندارد.

جدول ۱۸. نونویسی‌های آوایی - ساخت‌واژی از نوع تکرار واکه

شماره	قاعده	مثال
۱	تکرار واکه در انتهای واژه یا میانه واژه برای نشان دادن تأکید	بسیارrrrrrrrr سلطه‌جو

۵۰ ♦ دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیررسمی

در جدول (۱۹) هفتمین دسته از نونویسی های آوایی - ساخت واژی، حاوی درج یک آوا در صورت واژه آمده است. درج آوا ۰/۰۶ درصد از کل نونویسی های فضای مجازی را در پیکره گردآوری شده به خود اختصاص داده است که به این ترتیب در کل پیکره یازدهمین و در میان نونویسی های آوایی - ساخت واژی هفتمین رده را داراست.

جدول ۱۹. نونویسی های آوایی - ساخت واژی از نوع درج آوا

شماره	قاعده	مثال	پیشنهاد	صورت پیشنهادی برای مثال
۱	تبدیل ضمیر «او» به اون	با فاسدی مثل اون مشورت میکنه	درج ضمیر «او» به جای «اون»	با فاسدی مثل او مشورت می کند

۸. نونویسی های بافت وابسته

در این نوع نونویسی، که با اهداف کاربردشناختی صورت می پذیرد، یک صورت واژه به جای صورت واژه ای دیگر به کار می رود. از آنجاکه این صورت ها به همان صورتی که نوشته می شوند خوانده نیز می شوند در دسته ای مجزا از نونویسی های نگارشی و آوایی - ساخت واژی طبقه بندی شده اند. جدول (۲۰) قواعد این دسته را همراه با نمونه هایی از آن نشان می دهد.

جدول ۲۰. نونویسی های نگارشی از نوع تغییر بافت وابسته نویسه

شماره	قاعده	مثال	صورت معیار
۱	اصطلاحات عامیانه گفتاری در نوشتار	باحال، واسه	
۲	آواها در نوشتار	هممم	
۳	مخفف سازی	م	میلیون
۴	تغییر نویسه با هدف ابراز هیجانی خاص	عخشم	عشقم
۵	کاربرد «ی» تأکیدی گفتاری	یک سالی رفت و آمد داشتیم	

۹/۰ درصد از کلّ نونویسی های فضای مجازی در پیکره گردآوری شده به نوع بافت وابسته اختصاص دارد. کاربران، با به کارگیری این قواعد، اهدافی همچون تأکید، ابراز نوعی هیجان، کوتاه سازی و عامیانه سازی را دنبال می کنند. در ۲۲ مورد از داده های پیکره، علاوه بر تغییر بافت وابسته، نونویسی نگارشی و آوایی - ساخت واژی نیز رخ داده؛ به این معنی که هم زمان از دو راهکار مختلف برای تغییر استفاده شده است. برای نمونه، در «واس» به جای صورت «واسه»، هم فرایند حذف اتفاق افتاده و هم هدفی بافت وابسته که با قاعده ۱ در جدول (۱۰) مطابقت دارد دنبال شده است.

علاوه بر برخی از قواعد درج و تکرار نویسه (جدول های ۹ و ۱۰)، که در ارتباط رایانه محور با هدف کاربردشناختی ویژه ای از آن ها استفاده می شود، هر پنج نوع نونویسی حاوی تغییر بافت وابسته نیز با چنین هدفی به کار می روند. در نتیجه، نونویسی بافت وابسته می بایست به عنوان راهبردی ارتباطی به رسمیت شناخته شود.

۹. نتیجه گیری

بررسی کاربرد فارسی در گفت وگوهای رایانه محور و تجزیه و تحلیل آن و ارائه راهکار برای درست نویسی در فضای مجازی باید با دقت و ظرافت ویژه ای انجام پذیرد. گستردگی این نوع تعاملات از نظر حجم و تعداد کاربران موجب می شود که نتوان در این حوزه دیدگاهی صرفاً تجویزی و دستورالعملی داشت و بار پاسداری از زبان فارسی را تماماً بر دوش کاربران نهاد. در واقع هر زبانی، آن هنگام که در چنین وضعیتی قرار می گیرد، خواه ناخواه، دچار تحولاتی می شود که برای حضور آن زبان در بسترهای برخط ضروری است؛ به این معنی که یک زبان، به تبع حضور در تعاملات رایانه محور، خصیصه هایی را کسب می کند که برای چنین تعاملاتی قابل استفاده و مناسب باشد. نتیجتاً چنانچه کاربران زبانی تمایل نداشته باشند که از زبان خود در این بستر استفاده کنند مسلماً تغییرات و تحولات زبان آنان کندتر از

دیگر زبان‌ها خواهد بود. از این منظر باید حضور زبان فارسی را در بسترهای برخط و الکترونیک غنیمت بشماریم؛ چراکه حضور هر زبانی در این بسترها موجب پویایی هرچه بیشتر آن خواهد شد و آن را از خطر نابودی نجات خواهد داد. بنابراین، لازم است ضمن تشویق کاربران به استفاده از خط و زبان فارسی در بسترهای مذکور به دنبال راهکارهای کلان و غیرمستقیم برای کاربرد مناسب آن باشیم.

داده‌ها و تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بسامد نونویسی‌ها از آنچه اغلب پژوهشگران می‌پندارند پایین‌تر است. از طرفی، بیشتر این نونویسی‌ها قاعده‌مندند که خود نشانگر آن است که فارسی توانایی تطابق با شرایط جدید حضور در دنیای تعاملات گسترده و رایانه‌محور را دارد و می‌تواند در میان زبان‌هایی که بیشترین حضور را در بسترهای برخط دارند جایگاه مناسبی بیابد و حتی در رده‌های بالاتر قرار بگیرد؛ به شرطی که ضمن تلاش برای پاسداری از آن، برای کاربرانی که از زبانی به‌جز فارسی استفاده می‌کنند محدودیت‌های شدیدی ایجاد نکنیم و آنان را در شرایط انتخاب بین زبان فارسی و زبان‌های دیگر قرار ندهیم. بنابراین، لازم است پژوهشگران حوزه زبان و حوزه رایانه، در تعاملی همیشگی، وضعیت زبان فارسی را رصد کنند و با تجزیه و تحلیل شرایط و ویژگی‌های آن، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم را فراهم کنند؛ امکاناتی چون صفحه‌کلید مناسب‌تر، غلط‌یاب‌های املائی، مبدل‌ها، ابزارهای ویرایشگر و غیره. علاوه بر آن، نهادهایی رسمی همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی، باید ضمن حمایت و تشویق کاربران در استفاده از خط و زبان فارسی در ارتباطات رایانه‌محور، به تلاش خود در تهیه و ارائه دستور خط فارسی و به‌روزرسانی آن اهتمام ورزند تا در موارد مقتضی بتوان آن بهره‌برد؛ برای نمونه در آموزش پایه به کودکان، تهیه ابزارهای پردازش زبان فارسی، رسانه‌های جمعی، و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی. در نهایت، باید بپذیریم که تغییر جزء لاینفک زبان است و سرعت این تغییرات نیز هم‌سو با سرعت تغییرات در فناوری‌های دنیای امروز است.

فرهنگ املايي فارسي غير رسمي

ویژگی های فرهنگ و راهنمای به کارگیری آن

منابع فرهنگ

پیکره متن های تولید شده در شبکه های اجتماعی اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، توئیتر.

حوزه زبان فارسی

فارسی امروز، گویش تهرانی

گزینش سرمدخل ها

همه صورت واژه های غیر تکراری استخراج شده از پیکره.

ترتیب چینش سرمدخل ها

ترتیب الفبایی خط فارسی

انواع سرمدخل

الف) صورت معیار صورت واژه های موجود در پیکره؛ ب) صورت شکسته صورت واژه های موجود در پیکره، در صورتی که بتوان آن ها را به صورت شکسته نوشت؛ پ) صورت حاوی یکی از انواع نونویسی طبقه بندی شده در دستور خط.

دستور خط تعیین کننده صورت معیار

دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۴۰۱)

نشانه‌ها و برچسب‌ها

کاربرد	نشانه/ برچسب
صورت‌واژه معیار که در نوشتار رسمی به کار گرفته می‌شود.	(معیار)
صورت‌واژه حاوی نوعی شکسته‌نویسی که می‌تواند در فضای مجازی و نوشتار غیررسمی به کار گرفته شود.	(شکسته)
صورت شکسته صیغه‌های ماضی نقلی فعل‌ها	(نقلی شکسته)
صورت‌واژه حاوی نوعی نو نویسی که به‌کارگیری آن پیشنهاد نمی‌شود.	*
ارجاع به مدخل دیگر در فرهنگ املائی	←
شروع مثال در مدخل	:
مراجعه به قاعده‌ای در دستور خط	↩

راهنمای شکسته‌نویسی صورت‌های شکسته ماضی نقلی

براساس طبیب‌زاده (۱۳۹۸ب: ۴۳)، در آثار ادبی فارسی به خط شکسته، برای نشان دادن صورت‌های شکسته صیغه‌های ماضی نقلی از ماضی ساده استفاده شده است. این نوع صورت‌بندی در پیکره داده‌های فارسی در فضای مجازی نیز دیده می‌شود. چنین کاربردی موجب ابهام در خوانش معنایی فعل‌های دارای نمود نقلی می‌شود؛ بنابراین برای نگارش چنین فعل‌هایی باید شیوه مناسبی برگزید. جدول زیر شیوه شکسته‌نویسی صورت‌های ماضی نقلی است که از طبیب‌زاده (۱۳۹۸ب) گرفته شده است؛ البته با اندکی تغییر در صیغه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع.

ماضی نقلی رسمی	ماضی نقلی شکسته	ماضی ساده رسمی
رفته‌ام	/ræftæ:m/ رفته‌م	/ræftæm/ رفتم
رفته‌ای	/ræfti:/ رفته‌ی	/ræfti/ رفتی
رفته است	/ræfte:/ رفته	/ræft/ رفت
رفته‌ایم	/ræfti:m/ رفته‌ایم	/ræftim/ رفتیم
رفته‌اید	/ræfti:n/ رفته‌ین	/ræftid/ رفتید
رفته‌اند	/ræftæ:n/ رفته‌ن	/ræftænd/ رفتند

آ

آب (معیار)
 < قاعده شماره ۱ جدول ۸.
 آباد (معیار)
 آب‌بندی (معیار)
 آبندی* ← آب‌بندی
 آبی (معیار)
 آتش (معیار)، آتیش
 آتیش (شکسته) ← آتش
 آثار (معیار)
 آخر (معیار)، آخه
 آخه (شکسته) ← آخر
 آرام (معیار)، آروم
 آرامش (معیار)
 آرایش (معیار)
 آرزو (معیار)
 آره (معیار)
 آروم (شکسته) ← آرام

آزاد (معیار)

آشپزخانه (معیار)، آشپزخونه
 آشپزخونه (شکسته) ← آشپزخانه
 آشتی (معیار)
 آشغال (معیار)
 آشغال‌سواری (معیار)
 آشنا (معیار)
 آغا* ← آقا
 آغوش (معیار)
 آفرین (معیار)
 آماده (معیار)
 آمدن (معیار) (بیایم، بیایی، بیاید، بیایم،
 بیایید، بیایند، می‌آیم، می‌آیی، می‌آید،
 می‌آییم، می‌آیید، می‌آیند)؛ اومدن (شکسته)
 (بیام، بیای، بیاد، بیایم، بیاید/ بیاین، بیان،
 میام، میای، میاد، میایم، میاید/ میاین،
 میان)؛ (نقلی شکسته) (اومده‌م، اومده‌ی،
 اومده، اومده‌یم، اومده‌ین، اومده‌ن)

ا	آن / او (معیار)، اون
ا (شکسته) (نشانه تأکید): می‌رما،	آنجا (معیار)، اونجا
نخوایا ← ها	آن‌جور (معیار)، اون‌جور
ا (شکسته) (نشانه جمع): دفترها ← ها	آن‌طرف (معیار)، اون‌طرف
اب* ← آب	آن‌قدر (معیار)، اون‌قدر، اون‌قد
اباد* ← آباد	آن‌که (معیار)، اون‌که
ابی* ← آبی	آن‌موقع (معیار)، اون‌موقع
اتفاقاً (معیار)	آن‌ور (معیار)، اون‌ور
◀ قاعده شماره ۶ جدول ۷.	آن‌وقت (معیار)، اون‌وقت، اون‌وخت، اون‌وخ
اتفاقاً* ← اتفاقاً	آهان (معیار)، آها
اثر* ← آثار	آوردن (معیار) (بیاورم، بیاوری، بیاورد،
احتمالاً (معیار)	بیاوریم، بیاورید، بیاورند،
احتمالاً* ← احتمالاً	می‌آورم، می‌آوری، می‌آورد، می‌آوریم،
احسن (شکسته) ← احسنت	می‌آورید، می‌آورند، بیاور؛ (شکسته)
احسنت (معیار)، احسن	(بیارم، بیاری، بیاره، بیارید/
احسند* ← احسنت	بیارین، بیارن، بیارم، بیاری، بیاره،
اخر* ← آخر	می‌اریم، می‌ارید/ می‌ارین، می‌ارن، بیار؛
اخره* ← آخر	(نقلی شکسته) (آوردم، آورده‌ی، آورده،
ادا[و]اصول (معیار)	آورده‌یم، آورده‌ین، آورده‌ن)
ادا[و]اصول* ← ادا[و]اصول	آیا (معیار)
اذافه کاری* ← اضافه کاری	آینده (معیار)
ارائه (معیار)	
ارامش* ← آرامش	ئ
ارایش* ← آرایش	ئه (شکسته): جاروئه، جلوئه ← است
ارایه* ← ارائه	

اسکل (شکسته) ← اسگل	اریده* ← عربده
اسکول* ← اسگل	ارزان (معیار)، ارزون
اسگل (معیار)، اسکل	ارزو* ← آرزو
اسلا* ← اصلاً	ارزون (شکسته) ← ارزان
اسهال (معیار)	ارق* ← عرق
اشتب* ← اشتباه	اره* ← آره
اشتبا (شکسته) ← اشتباه	اروپا (معیار)، اوروپا
اشتباه (معیار)، اشتبا	از (حرف اضافه)، باپی بست ضمیری: اَرم،
اشتی* ← آشتی	اَزت، اَزش، اَرمون، اَرَتون، اَرَشون
اشغال* ← آشغال	اَزاد* ← آزاد
اشنا* ← آشنا	اَزت (شکسته) ← از
اصاب (شکسته) ← اعصاب	اَزتون (شکسته) ← از
اصرار (معیار)	اَزش (شکسته) ← از
اصطلاک* ← استهلاک	اَزشون (شکسته) ← از
اصلاً (معیار)، اصن	اَرم (شکسته) ← از
اصلا* ← اصلاً	اَرمون (شکسته) ← از
اصلن* ← اصلاً	است (معیار)، س / ست (پس از واژه
اصن (شکسته) ← اصلاً	مختوم به /e/ و /â/)، /e/ ه (پس از واژه
اضافه‌کاری (معیار)	مختوم به همخوان و /î/)، نه (پس از واژه
اعصاب (معیار)، اصاب	مختوم به /u/ و /o/)
اغوش* ← آغوش	استاد (معیار)
افرین* ← آفرین	استهلاک (معیار)
اکثراً (معیار)	اسحال* ← اسهال
اکثراً* ← اکثراً	اسرار* ← اصرار
اکراین* ← اوکراین	اسفناک (معیار)

انقد (شکسته) ← این قدر	اگ* ← اگر
انقدر (شکسته) ← این قدر	اگر (معیار) اگه
انور* ← آن ور	اگه (شکسته) ← اگر
اها (شکسته) ← آهان	الآن (معیار)، الان
اوروپا (شکسته) ← اروپا	الان (شکسته) ← الآن
اوکراین (معیار)	العان* ← الآن
اولاً (معیار)	الکی (معیار)
اولا* ← اولاً	اماده* ← آماده
اون (شکسته) ← آن / او	انتساب (معیار)
اون موق* ← آن موقع	انتصاب* ← انتساب
اون موقه* ← آن موقع	انداختن (معیار) (بیندازم، بیندازی،
اون جا (شکسته) ← آنجا	بیندازد، بیندازیم، بندازید، بیندازند،
اون جوری (شکسته) ← آن جوری	می اندازم، می اندازی، می اندازد،
اون طرف (شکسته) ← آن طرف	می اندازیم، می اندازید، می اندازند،
اون قد (شکسته) ← آن قدر	بینداز؛ (شکسته) (بندازم، بندازی،
اون قدر (شکسته) ← آن قدر	بندازه، بندازیم، بندازید/ بندازین،
اون که (شکسته) ← آن که	بندازن، میندازم، میندازی، میندازه،
اون موقع (شکسته) ← آن موقع	میندازیم، میندازید/ میندازین، میندازن،
اون وخ (شکسته) ← آن وقت	بنداز؛ (نقلی شکسته) (انداخته‌م،
اون وخت (شکسته) ← آن وقت	انداخته‌ی، انداخته، انداخته‌یم،
اون ور (شکسته) ← آن ور	انداخته‌ین، انداخته‌ن)
اون وقت (شکسته) ← آن وقت	ان‌شاء الله (معیار)، ان‌شالله، ایشالله،
ایا* ← آیا	ایشالله، ایشالا
ایشالله (شکسته) ← ان‌شاء الله	ان‌شالله (شکسته) ← ان‌شاء الله
ایشالا (شکسته) ← ان‌شاء الله	ان‌شاله* ← ان‌شاء الله

ایشالله (شکسته) ← ان شاء الله
ایشان (معیار)
ایشون (شکسته) ← ایشان
آینده* ← آینده
این قدر (شکسته) ← این قدر
این قدر (معیار)، انقدر، این قدر
اینک* ← اینکه
اینکه (معیار)

ب

ب تازگی* ← به تازگی
ب خاطر* ← به خاطر
ب دنبال* ← به دنبال
ب زودی* ← به زودی
ب هم* ← به هم
ب* ← به

با (حرف اضافه)، با پی بست ضمیری:

باهام/ بام، باهات/ بات، باهاش/ باش،

باهامون/ بامون، باهاتون/ باتون،

باهاشون/ باشون

بات (شکسته) ← با

باتون (شکسته) ← با

بادام (معیار)، بادوم

بادوم (شکسته) ← بادام

باران (معیار)، بارون

بارون (شکسته) ← باران
باس (شکسته) ← بایست
باش (شکسته) ← با
باشون (شکسته) ← با
بالاخره (معیار)، بلخره
بام (شکسته) ← با
بامون (شکسته) ← با
باهات (شکسته) ← با
باهاتون (شکسته) ← با
باهاش (شکسته) ← با
باهاشون (شکسته) ← با
باهام (شکسته) ← با
باهامون (شکسته) ← با
بایست (معیار)، باس
بت (شکسته) ← به
بتون (شکسته) ← به

بجای* ← به جای

بچگانه (معیار)، بچگونه

بچگونه (شکسته) ← بچگانه

بحق* ← به حق

بخاطر* ← به خاطر

بخت آزمای* ← بخت آزمایی

بخت آزمایی (معیار)

بخدا* ← به خدا

بخوا (شکسته) ← خواستن (بخواه)

بذاریم (شکسته) ← گذاشتن (بگذاریم)	بخواد (شکسته) ← خواستن (بخواهد)
برا (شکسته) ← برای	بخوام (شکسته) ← خواستن (بخوام)
برای (معیار)، برا	بخوان (شکسته) ← خواستن (بخوانند)
برم (شکسته) ← رفتن (بروم)	بخوای (شکسته) ← خواستن (بخوایی)
برن (شکسته) ← رفتن (بروند)	بخواید/بخواین (شکسته) ← خواستن (بخواید)
بره (شکسته) ← رفتن (برود)	بخوایم (شکسته) ← خواستن (بخوایم)
بروز (شکسته) ← بهروز	بخیر* ← بهخیر
بری (شکسته) ← رفتن (بروی)	بدازظهر* ← بعدازظهر
برید / برین (شکسته) ← رفتن (بروید)	بدبخ (شکسته) ← بدبخت
بریم (شکسته) ← رفتن (برویم)	بدبخت (معیار)، بدبخ
بزور* ← بهزور	بدرد نخور* ← بهدردنخور
بسلامتی* ← به سلامتی	بدست آوردن* ← به دست آوردن
بش (شکسته) ← به	بدم (شکسته) ← دادن (بدهم)
بشم (شکسته) ← شدن (بشوم)	بدن (شکسته) ← دادن (بدهند)
بشن (شکسته) ← شدن (بشوند)	بده (شکسته) ← دادن (بدهد)
بشه (شکسته) ← شدن (بشود)	بدی (شکسته) ← دادن (بدهی)
بشون (شکسته) ← به	بدید / بدین (شکسته) ← دادن (بدهید)
بشی (شکسته) ← شدن (بشوی)	بدیم (شکسته) ← دادن (بدهیم)
بشید / بشین (شکسته) ← شدن (بشوید)	بذار / بذا (شکسته) ← گذاشتن (بگذار)
بشیم (شکسته) ← شدن (بشویم)	بذارم (شکسته) ← گذاشتن (بگذارم)
بشین (شکسته) ← نشستن (بنشین)	بذارن (شکسته) ← گذاشتن (بگذارند)
بشینم (شکسته) ← نشستن (بنشینم)	بذاره (شکسته) ← گذاشتن (بگذارد)
بشینن (شکسته) ← نشستن (بنشینند)	بذارای (شکسته) ← گذاشتن (بگذارای)
بشینه (شکسته) ← نشستن (بنشیند)	بذارید / بذارین (شکسته) ← گذاشتن
بشیننی (شکسته) ← نشستن (بنشیننی)	(بگذارید)

بندازی (شکسته) ← انداختن (بیندازی)
 بندازید (شکسته) ← انداختن (بیندازید)
 بندازیم (شکسته) ← انداختن (بیندازیم)
 بنظر* ← به نظر
 به (حرف اضافه)، با پی بست ضمیری:
 بهم/ بم، بهت/ بت، بهش/ بش، بهمون/
 بمون، بهتون/ بتون، بهشون/ بشون
 به انون* ← به عنوان
 بهانه (معیار)، بهونه
 بهت (شکسته) ← به
 به تازگی (معیار)
 بهتون (شکسته) ← به
 به جای (معیار)
 به حق (معیار)
 به خاطر (معیار)
 به خدا (معیار)
 به خیر (معیار)
 به درد نخور (معیار)
 به دست آوردن (معیار)
 به دنبال (معیار)
 بهر حال* ← به هر حال
 به روز (معیار)
 به زودی (معیار)
 به زور (معیار)
 به سلامتی (معیار)

بشینید/ بشینین (شکسته) ← نشستن
 (بشینید)
 بشینیم (شکسته) ← نشستن (بشینیم)
 بصورت* ← به صورت
 بعداً (معیار)
 بعداً* ← بعداً
 بعد از ظهر (معیار)
 بغیر* ← به غیر
 بقدری* ← به قدری
 بقولی* ← به قولی
 بگم (شکسته) ← گفتن (بگویم)
 بگن (شکسته) ← گفتن (بگویند)
 بگه (شکسته) ← گفتن (بگوید)
 بگی (شکسته) ← گفتن (بگویی)
 بگید/ بگین (شکسته) ← گفتن (بگویید)
 بگیم (شکسته) ← گفتن (بگوییم)
 بلاخره* ← بالاخره
 بلخره (شکسته) ← بالاخره
 بله (معیار)
 بم (شکسته) ← به
 بمون (شکسته) ← به
 بنداز (شکسته) ← انداختن (بینداز)
 بندازم (شکسته) ← انداختن (بیندازم)
 بندازن (شکسته) ← انداختن (بیندازند)
 بندازه (شکسته) ← انداختن (بیندازد)

بیارن (شکسته) ← آوردن (بیاورند)	بهش (شکسته) ← به
بیاره (شکسته) ← آوردن (بیاورد)	بهشون (شکسته) ← به
بیاری (شکسته) ← آوردن (بیاوری)	به صورت (معیار)
بیارید / بیارین (شکسته) ← آوردن	به عنوان (معیار)
(بیاورید)	به غیر (معیار)
بیاریم (شکسته) ← آوردن (بیاوریم)	به قدری (معیار)
بیام (شکسته) ← آمدن (بیایم)	به قولی (معیار)
بیان (شکسته) ← آمدن (بیایند)	بهله* ← به
بیای (شکسته) ← آمدن (بیایی)	بهیم (شکسته) ← به
بیاید / بیاین (شکسته) ← آمدن (بیایید)	بهیم زدن* ← به هم زدن
بیایم (شکسته) ← آمدن (بیاییم)	بهمون (شکسته) ← به
بی توجهی (معیار)	به نظر (معیار)
بی شعور (معیار)	به هر حال (معیار)
بیشهور* ← بی شعور	به هم زدن (معیار)؛ (نقلی شکسته) (به هم
بیشور* ← بی شعور	زدهم، به هم زده‌ی، به هم زده، به هم
بی مسئولیت (معیار)، بی مسولیت	زدهیم، به هم زده‌ین، به هم زدهن)
بی مسولیت (شکسته) ← بی مسولیت	بهونه (شکسته) ← بهانه
بی ملاحظه (معیار)	بوخودا* ← به خدا
پ	بی ابرویی* ← بی آبرویی
پ* ← پس	بی توجه* ← بی توجه
پاین* ← پایین	بی ملاحظه* ← بی ملاحظه
پایین (معیار)	بی آبرویی (معیار)
پرتغال فروش* ← پرتقال فروش	بیاد (شکسته) ← آمدن (بیاید)
پرتقال فروش (معیار)	بیار (شکسته) ← آوردن (بیاورد)
	بیارم (شکسته) ← آوردن (بیاورم)

تأثیر* ← تأثیر	پس (معیار)
تاخیر* ← تأخیر	پکاندن (معیار)، پکوندن؛ (نقلی شکسته)
تارف (شکسته) ← تعارف	(پکوندهم، پکوندهی، پکونده،
تاز* ← تازه	پکوندهیم، پکوندهین، پکوندهن)
تازه (معیار)	پکوندن (شکسته) ← پکاندن
تاسف آور* ← تأسف آور	پوشاندن (معیار)، پوشوندن؛ (نقلی
تامام* ← تمام	شکسته) (پوشوندهم، پوشوندهی،
تامین* ← تأمین	پوشونده، پوشوندهیم، پوشوندهین،
تان / یتان (معیار) (پی بست ضمیری	پوشوندهن)
دوم شخص جمع)، یتون (پس از واژه	پوشوندن (شکسته) ← پوشاندن
مختوم به همخوان)، یتون (پس از واژه	
مختوم به واکه)	ت
تأیید* ← تأیید	ت / ات (معیار) (پی بست ضمیری
تبرئه (معیار)	دوم شخص مفرد)، یت (پس از واژه
تبرعه* ← تبرئه	مختوم به همخوان)، ت (پس از واژه
تبلیغ (معیار)	مختوم به واکه)؛ یت / ت (شکسته)؛
تحفه (معیار)	دفترت، بابات ← یت / ت
ترکاندن (معیار)، ترکوندن؛ (نقلی	تأثیر (معیار)
شکسته) (ترکوندهم، ترکوندهی، ترکونده،	تأخیر (معیار)
ترکوندهیم، ترکوندهین، ترکوندهن)	تأسف آور (معیار)
ترکوندن (شکسته) ← ترکاندن	تأمین (معیار)
ترو خدا* ← تورا به خدا	تأیید (معیار)
تشبیح* ← تشبیه	تأیید* ← تأیید
تشبیه (معیار)	تابحال* ← تابه حال
تشریف (معیار)، تشیف	تابه حال (معیار)

توروخدا (شکسته) ← تورابه خدا	تشیف (شکسته) ← تشریف
توسی* ← طوسی	تعارف (معیار)، تارف
توفه* ← تحفه	تغذیه (معیار)
تولد (معیار)	تغزیه* ← تغذیه
تومان (معیار)، تومن	تغیر* ← تغییر
تومبان (شکسته) ← تنبان	تغیر (معیار)
تومن (شکسته) ← تومان	تفاوت (معیار)
تَون، سَون (شکسته): دفترِ تون، باباتون	تفاوت* ← تفاوت
← تان/ایتان	تفرع* ← طفره
تونستن (شکسته) ← توانستن	تفلد* ← تولد
توی (معیار)، تو	تکه (معیار)، تیکه
تیکه (شکسته) ← تکه	تلقی (معیار)
ث	تمام (معیار)، تموم
ثابق* ← سابق	تماماً (معیار)
ج	تماماً* ← تماماً
جان (معیار)، جون	تموم (شکسته) ← تمام
جانور (معیار)، جونور	تنبان (معیار)، تنبون، تمبون
جدا (معیار)	تنهای* ← تنهایی
جرئت (معیار)	تنهایی (معیار)
جرات* ← جرئت	تنوع (معیار)
جز (شکسته) ← جزء	تو (شکسته) ← توی
جزء (معیار)، جز	توانستن (معیار)، تونستن؛ (نقلی شکسته)
جل الخالق (معیار)، جلل خالق	(تونسته، تونسته‌ی، تونسته، تونسته‌یم، تونسته‌ین، تونسته‌ن)
	تورابه‌خدا (معیار)، توروخدا

چسبوندن (شکسته) ← چسباندن
 چشم (شکسته) ← چشم
 چشم (معیار)، چشم
 چشم دل سیر* ← چشم‌ودل‌سیر
 چشم‌هم‌چشمی (شکسته) ← چشم‌وهم‌چشمی
 چشم‌ودل‌سیر (معیار)
 چشم‌وهم‌چشمی (معیار)، چشم‌هم‌چشمی
 چطو (شکسته) ← چطور
 چطور (معیار)، چطو
 چقدر (شکسته) ← چقدر
 چقدر (معیار)، چقد
 چکار (شکسته) ← چه کار
 چن (شکسته) ← چند
 چن بار (شکسته) ← چند بار
 چن وقت پیش (شکسته) ← چند وقت پیش
 چند (معیار)، چن
 چند بار (معیار)، چن بار
 چند وقت پیش (معیار)، چن وقت پیش
 چه (معیار)، چی
 چهار (معیار)، چار
 چه کار (معیار)، چکار، چی‌کا، چی‌کار
 چونه (شکسته) ← چانه
 چی (شکسته) ← چه
 چی‌کا (شکسته) ← چه کار

جلل خالق (شکسته) ← جل‌الخالق
 جم (شکسته) ← جمع
 جمع (معیار)
 جوان (معیار)
 جودا* ← جدا
 جون (شکسته) ← جان
 جونور (شکسته) ← جانور
 جوون (شکسته) ← جوان
 جویدن (معیار)، جویدن/ جوئیدن؛ (نقلی
 شکسته) (جویده‌م، جویده‌ی، جویده،
 جویده‌یم، جویده‌ین، جویده‌ن)
 جوئیدن/ جوئیدن (شکسته) ← جویدن

چ

چ* ← چه
 چار (شکسته) ← چهار
 چانه (معیار)، چونه
 چپاندن (معیار)، چپوندن؛ (نقلی شکسته)
 (چپونده‌م، چپونده‌ی، چپونده،
 چپونده‌یم، چپونده‌ین، چپونده‌ن)
 چپوندن (شکسته) ← چپاندن
 چسباندن (معیار)، چسبوندن؛ (نقلی
 شکسته) (چسبونده‌م، چسبونده‌ی،
 چسبونده، چسبونده‌یم، چسبونده‌ین،
 چسبونده‌ن)

خ	ح
خ* ← خیلی	حاضر (معیار)
خائن (معیار)	حاضر* ← حاضر
خاب* ← خواب	حبث* ← حبس
خاراندن (معیار)، خاروندن؛ (نقلی)	حبس (معیار)
شکسته) (خاروندهم، خارونده‌ی،	حتماً (معیار)
خارونده، خارونده‌یم، خارونده‌ین،	حتماً* ← حتماً
خاروندهن)	حتمن* ← حتماً
خارشوهر* ← خواهرشوهر	حراس* ← هراس
خاروندن (شکسته) ← خاراندن	حرام (معیار)، حروم
خاستن* ← خواستن	حرام‌زاده (معیار)، حروم‌زاده
خاعن* ← خائن	حروم (شکسته) ← حرام
خانم (معیار)، خانم	حروم‌زاده (شکسته) ← حرام‌زاده
خانه (معیار)، خونه	حضانت (معیار)
خانه‌اویزندگی (معیار)، خون‌زندگی	حظ (معیار)
خانواده (معیار)، خونواده	حل* ← هل
خانوم (شکسته) ← خانم	حلاک* ← هلاک
خاهر* ← خواهر	حمام (معیار)، حموم
خاهرزن* ← خواهرزن	حموم (شکسته) ← حمام
خاهش* ← خواهش	حواس (معیار)
خب (شکسته) ← خوب	حوزه (معیار)
خدا تومان (معیار)، خدا تومن	حوضه* ← حوزه
خدا تومن (شکسته) ← خدا تومان	چیچ‌چیچ* ← هیچ‌چیچ
خداحافظ (معیار)، خدافظ	حین (معیار)
خدافس* ← خداحافظ	

می‌خوان، بخوا؛ (نقلی شکسته)
 (خواستهم، خواسته‌ی، خواسته،
 خواسته‌یم، خواسته‌ین، خواسته‌ن)
 خواندن (معیار)، خوندن؛ (نقلی شکسته)
 (خوندهم، خونده‌ی، خونده، خونده‌یم،
 خونده‌ین، خونده‌ن)
 خواهر (معیار)
 خواهرزن (معیار)، خوارزن
 خواهرشوهر (معیار)، خوارشوهر
 خواهش (معیار)
 خواهشاً (معیار)
 خواهشاً* ← خواهشاً
 خوب (معیار)، خب، خو
 خورد (شکسته) ← خرد
 خوردوخوراک* ← خوردوخوراک
 خوردوخوراک (معیار)
 خوش ب حال* ← خوش به حالِ
 خوش به حالِ (معیار)
 خوشکسالی* ← خشکسالی
 خوشکل (شکسته) ← خوشگل
 خوشگل (معیار)، خوشکل
 خون* ← خانه
 خواندن (شکسته) ← خواندن
 خونع* ← خانه
 خونه (شکسته) ← خانه

خدافظ (شکسته) ← خداحافظ
 خدای* ← خدایی
 خدایی (معیار)
 خدشه‌دار (معیار)
 خرخوان (معیار)، خرخون
 خرخون (شکسته) ← خرخوان
 خرد (معیار)، خورد
 خستع* ← خسته
 خسته (معیار)
 خشک‌سالی (معیار)
 خطشه‌دار* ← خدشه‌دار
 خفقان (معیار)
 خفگان* ← خفقان
 خو (شکسته) ← خوب
 خواب (معیار)
 خوارزن (شکسته) ← خواهرزن
 خوارشوهر (شکسته) ← خواهرشوهر
 خواستن (معیار) (بخوادم، بخوای،
 بخواید، بخوایم، بخوایند،
 می‌خواهم، می‌خواهی، می‌خواهد،
 می‌خواهیم، می‌خواهید، می‌خواهند،
 بخواه؛) (شکسته) (بخوام، بخوای،
 بخواد، بخوایم، بخواید/ بخواین،
 بخوان، می‌خوام، می‌خوای، می‌خواد،
 می‌خوایم، می‌خواید/ می‌خوانین،

در حالی ک* ← درحالی که	خونه زندگی (شکسته) ← خانه [و] زندگی
در بدر* ← دربه در	خونواده (شکسته) ← خانواده
در به در (معیار)	خیابان (معیار)، خیابون
درحالی که (معیار)	خیابون (شکسته) ← خیابون
درخواست* ← درخواست	خیلی (معیار)
درخواست (معیار)	
درس (شکسته) ← درست	د
درست (معیار)، درس	لد (معیار) (شناسه فعلی سوم شخص مفرد
درست [و] حسابی (معیار)	در بن مضارع)، ه
در صورتی ک* ← در صورتی که	دائم (معیار)
در صورتی که (معیار)	دادن (معیار) (بدهم، بدهی، بدهد،
درضمن (معیار)	بدهیم، بدهید، بدهند، می دهیم،
درضمن* ← درضمن	می دهی، می دهد، می دهیم، می دهید،
دست آورد* ← دستاورد	می دهند)؛ (شکسته) (بدم، بدی، بده،
دست بکار* ← دست به کار	بدم، بدید/ بدین، بدن، می دم، می دی،
دستاورد (معیار)	می ده، می دیم، می دید/ می دین،
دست به کار (معیار)	می دن)؛ (نقلی شکسته) (دادم، داده ی،
دست خالی (معیار)	داده، داده ایم، داده یین، دادن)
دس خالی (شکسته) ← دست خالی	داغان (معیار)، داغون
دقه* ← دقیقه	داغون (شکسته) ← داغان
دقیقاً (معیار)	دانستن (معیار)، دونستن؛ (نقلی شکسته)
دقیقا* ← دقیقاً	(دونسته م، دونسته ی، دونسته،
دقیقن* ← دقیقاً	دونسته ایم، دونسته یین، دونسته ن)
دقیقه (معیار)، ديقه	دانه (معیار)، دونه
دگ* ← دیگر	دایم* ← دائم

دونفره (معیار)	دگه* ← دیگر
دونه* ← دانه	دم‌به‌دقیقه (معیار)، دم‌به‌دقیقه
دویدن (معیار)، دوئیدن/ دویددن؛ (نقلی شکسته) (دویده‌م، دویده‌ی، دویده، دویده‌یم، دویده‌ین، دویده‌ن)	دم‌به‌دقیقه (شکسته) ← دم‌به‌دقیقه
دیفار* ← دیوار	دنبال (معیار)
دقیقه (شکسته) ← دقیقه	دهان (معیار)، دهن
دیگ* ← دیگر	ده شاهی (معیار)، ده شی
دیگر (معیار)، دیگه، دیه	ده شی (شکسته) ← ده شاهی
دیگه (شکسته) ← دیگر	دهل (معیار)
دیه (شکسته) ← دیگر	دهن (شکسته) ← دهان
دیوار (معیار)	دوئیدن/ دویددن (شکسته) ← دویدن
	دوا (معیار)
ذ	دورزمونه* ← دوره [و] زمانه
ذات (معیار)	دورست حسابی* ← درست [و] حسابی
ذره (معیار)	دوره [و] زمانه (معیار)، دوروزمونه
	دوروزمونه (شکسته) ← دوره [و] زمانه
ر	دوس (شکسته) ← دوست
رأی (معیار)	دوست (معیار)، دوس
رئیس (معیار)	دوست‌دختر (معیار)، دوس‌دختر
را (شکسته) ← راه	دوست‌دختر (شکسته) ← دوست‌دختر
را (معیار)، رو (پس‌از واژه‌های مختوم به همخوان، /i/، /e/، /a/، /u/، /â/، -و (پس‌از کلمات مختوم به همخوان و /i/)	دوغول* ← دهل
راجب* ← راجع‌به	دوماً (معیار)
	دومن* ← دوماً
	دونبال* ← دنبال
	دونستن (شکسته) ← دانستن
	دونفره* ← دونفره

رفت‌وآمد (معیار)، رفتارمد	راجع‌به (شکسته) ← راجع‌به
رو (شکسته): سینی رو برام بیار ← را	راجع‌به (معیار)، راجع‌به
رو (شکسته) ← روی	راح‌حل* ← راه‌حل
رودربایستی (معیار)، رودربایسی، رودرواسی	راهکار* ← راهکار
رودربایستی (شکسته) ← رودربایستی	رازی* ← راضی
رودرواسی (شکسته) ← رودربایستی	راس (شکسته) ← راست
روزه* ← روضه	راست (معیار)، راس
روضه (معیار)	راضی (معیار)
روی (معیار)، رو	راه (معیار)، را
ریس* ← رئیس	راه‌حل (معیار)
	راهکار (معیار)
ز	رای* ← رأی
زات* ← ذات	ربت* ← ربط
زبان‌بسته (معیار)، زبون‌بسته	ربط (معیار)
زبون‌بسته (شکسته) ← زبان‌بسته	رساندن (معیار)، رسوندن
زد* ← ضد	رسوندن (شکسته) ← رساندن
زر (معیار)	رفت‌وآمد* ← رفت‌وآمد
زره* ← ذره	رفت‌آمد (شکسته) ← رفت‌وآمد
زنانه (معیار)، زنونه	رفتن (معیار) (بروم، بروی، برود، برویم، بروید، بروند، می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند)؛ (شکسته)
زنونه (شکسته) ← زنانه	(برم، بری، بره، برویم، برید/ برین، برن، می‌رم، می‌ری، می‌ره، می‌ریم، می‌رید/ می‌رین، می‌رن)؛ (نقلی شکسته) (رفته‌م، رفته‌ی، رفته، رفته‌یم، رفته‌ین، رفته‌ن)
زیر دریای* ← زیردریایی	
زیردریایی (معیار)	
س	
سؤال (معیار)	

سوما* ← سوماً	سؤال* ← سؤال
سی (شکسته) ← سعی	سابق (معیار)
سی دو* ← سی و دو	سادر* ← صادر
سیانور (معیار)	ساده لوح (معیار)
سیاه نور* ← سیانور	ساف* ← صاف
سیقه* ← صیغه	سپاس گذار* ← سپاسگزار
سی و دو (معیار)	سپاسگزار (معیار)
	ست، سس (شکسته): دیوانه‌س، دیوانه‌ست، تنهاس، تنهاست ← است
ش	سخت کوش (معیار)، سخ کوش
ش / شش (معیار) (پی بست ضمیری	سخ کوش (شکسته) ← سخت کوش
سوم شخص مفرد)، ش (پس از واژه	سرصدا (شکسته) ← سروصدا
مختوم به همخوان)، ش (پس از واژه	سرکله (شکسته) ← سروکله
مختوم به واکه)	سروصدا (معیار)، سرصدا
ش / شش (شکسته): دفترش، باباش ←	سروکله (معیار)، سرکله
ش / شش	سعی (معیار)، سی
شان / ایشان (معیار) (پی بست ضمیری	سگ (معیار)
سوم شخص جمع)، شون (پس از واژه	سلیقه* ← سلیقه
مختوم به همخوان)، شون (پس از واژه	سلیقه (معیار)
مختوم به واکه)	سوء استفاده (معیار)، سواستفاده
شی (شکسته) ← شبیه	سواستفاده (شکسته) ← سوء استفاده
شییح* ← شبیه	سوال* ← سؤال
شبیبه (معیار)، شبی	سوزاندن (معیار)، سوزوندن
شخصاً (معیار)	سوزوندن (شکسته) ← سوزاندن
شخصن* ← شخصاً	سوماً (معیار)
شدن (معیار) (بشوم، بشوی، بشود، بشویم،	

شیطان (معیار)، شیطون
 شیطون (شکسته) ← شیطان
 شیلنگ (شکسته) ← شلنگ
 شیم (شکسته) ← شدن

ص

صاب (شکسته) ← صاحب
 صابکار (شکسته) ← صاحبکار
 صاحب (شکسته) ← صاحب
 صاحب (معیار)، صاب، صاحب
 صاحبکار (معیار)، صابکار
 صادر (معیار)
 ساده لوح* ← ساده لوح
 صاف (معیار)
 صب (شکسته) ← صبح
 صب (شکسته) ← صبر
 صبح (معیار)، صب
 صبر (معیار)، صب
 صددرصد (معیار)
 صددرصد* ← صددرصد
 صرفاً (معیار)
 صرفاً* ← صرفاً
 صفحه (معیار)، صفه
 صفحه (شکسته) ← صفحه
 صگ* ← سگ

بشوید، بشوند، می شوم، می شوی،
 می شود، می شویم، می شوید، می شوند،
 بشو؛ (شکسته) (بشم/ شم، بشی/ شی،
 بشه/ شه، بشیم/ شیم، بشید/ شین/ شید/
 شین، بشن/ شن، می شم، می شی،
 می شه، می شیم، می شید/ می شین،
 می شن، شو)؛ (نقلی شکسته) (شده،
 شده، شده، شده، شده، شده، شده)
 شرو (شکسته) ← شروع
 شروع (معیار)، شرو
 شکاندن (معیار)، شکوندن؛ (نقلی شکسته)
 (شکوندم، شکوندهی، شکونده، شکوندم،
 شکوندهین، شکوندن)
 شکوندن (شکسته) ← شکاندن
 شلنگ (معیار)، شیلنگ
 شم (شکسته) ← شدن (بشوم)
 شن (شکسته) ← شدن (بشوند)
 شه (شکسته) ← شدن (بشود)
 شو (شکسته) ← شدن (بشو)
 شوخی وردار (شکسته) ← شوخی بردار
 شوخی بردار (معیار)، شوخی وردار
 شون/ شون (شکسته): دفتر شون،
 باباشون ← شان/ میشان
 شی (شکسته) ← شدن
 شید/ شین (شکسته) ← شدن

عسطاد* ← استاد	صیغه (معیار)
عصفناک* ← اسفناک	
عطیقه* ← عتیقه	ض
علائم (معیار)	ضبط (معیار)
علائم* ← علائم	ضد (معیار)
علکی* ← الکی	ضرم* ← زر
علل حساب (شکسته) ← علی الحساب	ضعیف (معیار)
علناً (معیار)	ضیف* ← ضعیف
علتن* ← علناً	
علی الحساب (معیار)، علل حساب	ط
عمد* ← عمد	طبلیغ* ← تبلیغ
عمده (معیار)	ظفره (معیار)
عمراً (معیار)	طلقی* ← تلقی
عمراً* ← عمراً	طوع* ← تنوع
عملاً (معیار)	طوسی (معیار)
عملاً* ← عملاً	ظاهراً (معیار)
عنقد* ← این قدر	ظاهراً* ← ظاهراً
	ظبط* ← ضبط
غ	
غالب* ← قالب	ع
غبطه (معیار)	عاره* ← آره
غذیه* ← قضیه	عایا* ← آیا
غر (معیار)	عتیقه (معیار)
غریبه (معیار)	عربده (معیار)
غریزه (معیار)	عرق (معیار)

فوهش* ← فحش	غریضه* ← غریزه
فیریز (شکسته) ← فریز	غسل (معیار)
	غلت* ← غلط
ق	غلط (معیار)
قائل / قایل (معیار)	غید* ← قید
قاعل* ← قائل / قایل	
قالب (معیار)	ف
قانوناً (معیار)	فحش (معیار)
قانوناً* ← قانوناً	فراوان (معیار)، فراوون
قبر (معیار)	فراوون (شکسته) ← فراوان
قبطه* ← غبطه	فرمان (معیار)، فرمون
قبلاً (معیار)	فرمون (شکسته) ← فرمان
قبلاً* ← قبلاً	فریز (معیار)، فریز
قر* ← غر	فضولی (معیار)، فضولی
قرآن (معیار)، قران	فعلاً* ← فعلاً
قران (شکسته) ← قرآن	فقت* ← فقط
قران (معیار)، قرون	فقد* ← فقط
قربان (معیار)، قربون	فقط (معیار)
قربان صدقه (معیار)، قربون صدقه	فک (شکسته) ← فکر
قربون (شکسته) ← قربان	فکر (معیار)، فک
قربون صدقه (شکسته) ← قربان صدقه	فلاً* ← فعلاً
قرون (شکسته) ← قران	فنجان (معیار)، فنجون
قریه* ← غریبه	فنجون (شکسته) ← فنجان
قصد (معیار)	فوش* ← فحش
قصط* ← قصد	فضولی (شکسته) ← فضولی

(کشوندهم، کشوندهی، کشونده، کشوندهیم،
 کشوندهین، کشوندهن)
 کشوندن (شکسته) ← کشاندن
 کصافت* ← کثافت
 کلاً (معیار)
 کلا* ← کلاً
 کلن* ← کلاً
 که (معیار) (حرف ربط)
 کو (معیار) (پرسش واژه)، کوش، کوشش
 کوتا (شکسته) ← کوتاه
 کوتاه (معیار)، کوتا
 کوچک (معیار)، کوچیک
 کوچیک ← کوچک
 کوش/کوشش (شکسته) ← کو
 کوفت زهرمار* ← کوفت و زهرمار
 کوفتوزهرمار (شکسته) ← کوفت و زهرمار
 کوفت و زهرمار (معیار)، کوفتوزهرمار

گ

گیر* ← قبر

گذاشتن (معیار) (بگذارم، بگذاری، بگذارد،
 بگذاریم، بگذارید، بگذارند، می‌گذارم،
 می‌گذاری، می‌گذارد، می‌گذارند، می‌گذاریم،
 می‌گذارید، می‌گذارند، بگذار)؛ (شکسته)
 بذارم، بذاری، بذاره، بذاریم، بذارید/

قصل* ← غسل
 قضیه (معیار)
 قط (شکسته) ← قطع
 قطع (معیار)، قط
 قطعاً (معیار)
 قطعاً* ← قطعاً
 قل (معیار)
 قلیان (معیار)، قلیون
 قلیون (شکسته) ← قلیان
 قول* ← قل
 قید (معیار)

ک

ک* ← که (حرف ربط)
 کاملاً (معیار)
 کاملاً* ← کاملاً
 کتابخانه (معیار)، کتابخونه
 کتابخونه (شکسته) ← کتابخانه
 کثافت (معیار)
 کثافت‌کاری (معیار)
 کثافت* ← کثافت
 کدام (معیار)، کدوم
 کدام (شکسته) ← کدام
 کسافت کاری* ← کثافت کاری
 کشاندن (معیار)، کشوندن؛ (نقلی شکسته)

بذارین، بذارن، می‌ذارم، می‌ذاری، می‌ذاره،
 می‌ذاریم، می‌ذارید/ می‌ذارین، می‌ذارن،
 بذار/ بذا؛ (نقلی شکسته) (گذاشته‌م،
 گذاشته‌ی، گذاشته، گذاشته‌یم، گذاشته‌ین،
 گذاشته‌ن)

ل

گذشتن (معیار) (نقلی شکسته)
 (گذشته‌م، گذشته‌ی، گذشته، گذشته‌یم،
 گذشته‌ین، گذشته‌ن)

گران (معیار)، گرون

گرداندن (معیار)، گردوندن؛ (نقلی شکسته)

(گردونده‌م، گردونده‌ی، گردونده،

گردونده‌یم، گردونده‌ین، گردونده‌ن)

گردوندن (شکسته) ← گرداندن

گرون (شکسته) ← گران

گزاشتن* ← گذاشتن

گزشتن* ← گذشتن

گفتن (معیار) (بگویم، بگوئی، بگوید،

بگوییم، بگوئید، بگویند، می‌گویم،

می‌گوئید، می‌گویند، می‌گوئیم،

می‌گوئید، بگو؛) (شکسته) (بگم، بگی،

بگه، بگیم، بگید/ بگین، بگن، می‌گم،

می‌گی، می‌گه، می‌گیم، می‌گید/ می‌گین،

می‌گن، بگو؛) (نقلی شکسته) (گفته‌م،

گفته‌ی، گفته، گفته‌یم، گفته‌ین، گفته‌ن)

گنا (شکسته) ← گناه

گناه (معیار)، گنا

گندم (معیار)

گندوم* ← گندم

ل

لوزوم (معیار)، لوزوم

لطفاً (معیار)

لطفاً* ← لطفاً

لعنتی (معیار)

لقد* ← لگد

لگد (معیار)

لنتی* ← لعنتی

لوزوم (شکسته) ← لوزوم

م

م (شکسته): بابام ← م/م

م، م، م (شکسته): دفترم، نوئم، بابام

← هم (قید)

م / م، م (معیار) (پی‌بست ضمیری

اول شخص مفرد)، م (پس از واژهٔ مختوم

به واکه)

مأمور (معیار)

مؤدب (معیار)

ماشاءالله (معیار)، ماشاءالله، ماشالا

ماشاءالله (شکسته) ← ماشاءالله

محوکننده (معیار)	ماشالا (شکسته) ← ماشاءالله
مختار (معیار)	مامور* ← مأمور
مخصوصاً (معیار)	یمان / میمان (معیار) (پی بست ضمیری
مخصوصاً* ← مخصوصاً	اول شخص جمع)، یمون (پس از واژه
مختار* ← مختار	مختوم به همخوان)، -مون (پس از واژه
مردم (معیار)	مختوم به واکه)
مردوم* ← مردم	ماندن (معیار)، موندن
مزخرف (معیار)	ماه ب ماه* ← ماهبه ماه
مس* ← مثل	ماهبه ماه (معیار)
مستلع* ← مسئله	مایع* ← مایه
مسئله (معیار)	مایه (معیار)
مستول (معیار)	متأسف (معیار)
مسئولیت (معیار)	متأسفانه (معیار)
مسائل (معیار)	متأهل (معیار)
مساعل* ← مسائل	متأسف* ← متأسف
مستأجر (معیار)	متأسفانه* ← متأسفانه
مستاجر* ← مستأجر	متاهل* ← متأهل
مستراح (معیار)	متشکر (معیار)، مچکر
مسعله* ← مسئله	مث (شکسته) ← مثل
مسعول* ← مسئول	مثل (معیار)، مث
مسئولیت* ← مسئولیت	مثلاً (معیار)
مسئل* ← مثل	مثلاً* ← مثلاً
مصلحت* ← مصلحت	مثلن* ← مثلاً
مسلماً (معیار)	مچکر (شکسته) ← متشکر
مسلماً* ← مسلماً	محوکنند* ← محوکننده

مقابل مثل* ← مقابله به مثل	مسلمان (معیار)، مسلمون
مقابله به مثل (معیار)	مسلمون (شکسته) ← مسلمان
مقصر* ← مقصر	مسمم* ← مصمم
مقصر (معیار)	مسول* ← مسئول
مقتعه (معیار)	مسوول* ← مسئول
مقول* ← معقول	مسیول* ← مسئول
مگ* ← مگر	مشکل (معیار)، مشکل
مگر (معیار)، مگه	مشگل (شکسته) ← مشکل
مگه (شکسته) ← مگر	مص* ← مثل
مليون (شکسته) ← میلیون	مصطراح* ← مستراح
موقع (معیار)	مصل* ← مثل
موقه* ← موقع	مصلحت (معیار)
مومون / مومون (شکسته): دفتر موم، بابامون	مصمم (معیار)
← همان / ایمان	مضخرف* ← مزخرف
موندن (شکسته) ← ماندن	مطالعه (معیار)
میاد (شکسته) ← آمدن (می آید)	مطاله* ← مطالعه
میارم (شکسته) ← آوردن (می آورم)	مطمئن (معیار)
میارن (شکسته) ← آوردن (می آورند)	مطمعن* ← مطمئن
میاره (شکسته) ← آوردن (می آورد)	مطمئن* ← مطمئن
میاری (شکسته) ← آوردن (می آوری)	مطمین* ← مطمئن
میارید / میارین (شکسته) ← آوردن	معدب* ← مؤدب
(می آوری)	معقول (معیار)
میاریم (شکسته) ← آوردن (می آوریم)	معمولاً (معیار)
میام (شکسته) ← آمدن (می آیم)	معمولاً* ← معمولاً
میان (شکسته) ← آمدن (می آیند)	مغنه* ← مقنعه

می‌ذارن (شکسته) ← گذاشتن (می‌گذارند)
 می‌ذاره (شکسته) ← گذاشتن (می‌گذارد)
 می‌ذاری (شکسته) ← گذاشتن
 (می‌گذاری)

می‌ذارید / می‌ذارین (شکسته) ←
 گذاشتن (می‌گذارید)
 می‌ذاریم (شکسته) ← گذاشتن
 (می‌گذاریم)

می‌رم (شکسته) ← رفتن (می‌روم)
 می‌رن (شکسته) ← رفتن (می‌روند)
 می‌ره (شکسته) ← رفتن (می‌رود)
 می‌ری (شکسته) ← رفتن (می‌روی)
 می‌رید / می‌رین (شکسته) ← رفتن
 (می‌روید)

می‌ریم (شکسته) ← رفتن (می‌رویم)
 می‌شم (شکسته) ← شدن (می‌شوم)
 می‌شن (شکسته) ← شدن (می‌شوند)
 می‌شه (شکسته) ← شدن (می‌شود)
 می‌شی (شکسته) ← شدن (می‌شوی)
 می‌شید / می‌شین (شکسته) ← شدن
 (می‌شوید)

می‌شیم (شکسته) ← شدن (می‌شویم)
 می‌شینم (شکسته) ← نشستن (می‌نشینم)
 می‌شینن (شکسته) ← نشستن
 (می‌نشینند)

میان (معیار)، میون
 میای (شکسته) ← آمدن (می‌آیی)
 میاید / میاین (شکسته) ← آمدن
 (می‌آید)

میایم (شکسته) ← آمدن (می‌آییم)
 می‌خواد (شکسته) ← خواستن
 (می‌خواهد)

می‌خوام (شکسته) ← خواستن
 (می‌خواهم)
 می‌خوان (شکسته) ← خواستن
 (می‌خوانند)

می‌خوای (شکسته) ← خواستن
 (می‌خواهی)

می‌خواید / می‌خواین (شکسته) ←
 خواستن (می‌خواهید)
 می‌خوایم (شکسته) ← خواستن
 (می‌خواهیم)

می‌دم (شکسته) ← دادن (می‌دهم)
 می‌دن (شکسته) ← دادن (می‌دهند)
 می‌ده (شکسته) ← دادن (می‌دهد)
 می‌دی (شکسته) ← دادن (می‌دهی)

می‌دید / می‌دین (شکسته) ← دادن
 (می‌دهید)

می‌دیم (شکسته) ← دادن (می‌دهیم)
 می‌ذارم (شکسته) ← گذاشتن (می‌گذارم)

<p>ن</p> <p>ن* ← نه</p> <p>ن (شکسته): غذاشونو خوردن ← نَد</p> <p>ناخن (معیار)، ناخون</p> <p>ناخون (شکسته) ← ناخن</p> <p>نان (معیار)، نون</p> <p>نَد (معیار) (شناسهٔ فعلی سوم شخص جمع)، ن</p> <p>نسبت به (معیار)</p> <p>نشان (معیار)، نشون</p> <p>نشانه (معیار)، نشونه</p> <p>نشستن (معیار) (بنشینم، بنشینی، بنشیند، بنشینیم، بنشینید، بنشینند، می نشینم، می نشینی، می نشیند، می نشینیم، می نشینید، می نشینند، می نشینیم)؛</p> <p>(شکسته) (بنشینم، بنشینید، بنشینیم، بنشینید، بنشینند، می نشینم، می نشینی، می نشیند، می نشینیم، می نشینید، می نشینند، می نشینیم)؛</p> <p>(نقلی شکسته) (نشسته‌م، نشسته‌ی، نشسته، نشسته‌یم، نشسته‌ین، نشسته‌ن)</p> <p>نشون (شکسته) ← نشان</p> <p>نشونه (شکسته) ← نشانه</p> <p>نصبت ب* ← نسبت به</p> <p>نصبت به* ← نسبت به</p>	<p>می شینه (شکسته) ← نشستن (می نشیند)</p> <p>می شینی (شکسته) ← نشستن (می نشینی)</p> <p>می شینید / می شینین (شکسته) ← نشستن (می نشینید)</p> <p>می شینیم (شکسته) ← نشستن (می نشینیم)</p> <p>می گم (شکسته) ← گفتن (می گویم)</p> <p>می گه (شکسته) ← گفتن (می گوید)</p> <p>می گی (شکسته) ← گفتن (می گویی)</p> <p>می گید / می گین (شکسته) ← گفتن (می گوید)</p> <p>می گیم (شکسته) ← گفتن (می گویم)</p> <p>میلیون (معیار)، ملیون</p> <p>میندازم (شکسته) ← انداختن (می اندازم)</p> <p>میندازن (شکسته) ← انداختن (می اندازند)</p> <p>میندازه (شکسته) ← انداختن (می اندازد)</p> <p>میندازی (شکسته) ← انداختن (می اندازی)</p> <p>میندازید / میندازین (شکسته) ← انداختن (می اندازید)</p> <p>میندازیم (شکسته) ← انداختن (می اندازیم)</p> <p>میون (شکسته) ← میان</p>
--	---

وامیسی (شکسته) ← ایستادن
 وامیسن (شکسته) ← ایستادن
 وایسا (شکسته) ← ایستادن
 وایستادن (شکسته) (وایسم، وایسی،
 وایسه، وایسیم، وایسید/ وایسین، وایسن،
 وامیسم، وامیسی، وامیسن، وامیسم،
 وامیسن، وامیسن، وایسا)؛ (نقلی
 شکسته) (وایسادم، وایساده، وایساده،
 وایساده‌یم، وایساده‌ین، وایساده‌ن)
 وایسم (شکسته) ← ایستادن
 وایسن (شکسته) ← ایستادن
 وایسه (شکسته) ← ایستادن
 وایسی (شکسته) ← ایستادن
 وایسید / وایسین (شکسته) ← ایستادن
 وایسیم (شکسته) ← ایستادن
 وخ (شکسته) ← وقت
 وختی (شکسته) ← وقتی
 وسلام (شکسته) ← والسلام
 وض (شکسته) ← وضع
 وضع (معیار)، وض
 وقت (معیار)، وخ
 وقتی (معیار)، وختی
 وگرن* ← وگرنه
 وگرنه (معیار)
 ونزوئلا (معیار)
 ونزوئلا* ← ونزوئلا

نگا (شکسته) ← نگاه
 نگاه (معیار)، نگا
 نه (معیار)
 نون (شکسته) ← نان

و

و (حرف عطف و ربط)، و
 و (شکسته) ← و
 وابسته (معیار)
 وابسته* ← وابسته
 واس (شکسته) ← واسه
 واسع* ← واسه
 واسه (معیار)، واس
 واقعاً (معیار)
 واقعاً* ← واقعاً
 واقعن* ← واقعاً
 واقن* ← واقعاً
 والا (شکسته) ← واللہ
 والسلام (معیار)، وسلام
 واللہ (معیار)، والا
 واله* ← واللہ
 وامیسم (شکسته) ← ایستادن
 وامیسم (شکسته) ← ایستادن
 وامیسن (شکسته) ← ایستادن
 وامیسن (شکسته) ← ایستادن

همدیگه (شکسته) ← همدیگر

همه (معیار)

همه‌چی (شکسته) ← همه‌چیز

همه‌چیز (معیار)، همه‌چی

همون (شکسته) ← همان

همون‌طور (شکسته) ← همان‌طور

همون‌ور (شکسته) ← همان‌ور

هنو (شکسته) ← هنوز

هنوز (معیار)، هنو

هواس* ← حواس

هیچ‌چیز (معیار)، هیچی

هیچ‌کس (معیار)، هیشکی

هیچی (شکسته) ← هیچ‌چیز

هیشکی (شکسته) ← هیچ‌کس

هین* ← حین

ی

ی‌چیز* ← یک‌چیز

ی* ← یک

یا ابوالفضل (معیار)

یا البفضل* ← یا ابوالفضل

یار* ← یک‌بار

یجا* ← یک‌جا

یجور* ← یک‌جور

یجورایی* ← یک‌جورهایی

یچی* ← یک‌چیز

ه

ه (شکسته): خوابه ← است

ه (شکسته): غذاشو بخوره ← عد

ها (نشانه تأکید)، ا (پس‌از واژه مختوم به

همخوان و /i/)

ها (نشانه جمع)، ا (پس‌از همخوان و

پس‌از واژه‌های مختوم به /i/)

هذیان (معیار)، هذیون

هذیون (شکسته) ← هذیان

هراس (معیار)

هز* ← حظ

هزانت* ← حضانت

هل (معیار)

هلاک (معیار)

هم (قید)، هم (پس‌از واژه مختوم به

همخوان)، هم (پس‌از واژه مختوم به /u/،

/o/، /â/، هم

هم‌چی* ← همه‌چیز

هم‌چیز* ← همه‌چیز

هم* ← همه

همان (معیار)، همون

همان‌طور (معیار)، همون‌طور

همان‌ور (معیار)، همون‌ور

همچی* ← همه‌چیز

همدیگر (معیار)، همدیگه

یک مقدار (معیار)، یه مقدار	یه چیز* ← یک چیز
یکهو (معیار)، یهو	سید (معیار) (شناسه فعلی دومشخص
یکوری (معیار)، یهوری	جمع)، سین
یکوقت (معیار)، یهوقت، یهوخ، یهوخ	یدفعه* ← یکدفعه
یمقدار* ← یک مقدار	یدفه* ← یکدفعه
سین (شکسته): بخورین ← سید	یعنی (معیار)، ینی
ینی (شکسته) ← یعنی	یک (معیار)، یه
یه (شکسته) ← یک	یک کدوم (شکسته) ← یک کدام
یه بار (شکسته) ← یک بار	یک بار (معیار)، ییار، یه بار
یهتنه (شکسته) ← یکتنه	یکتنه (معیار)، یهتنه
یهجورایی (شکسته) ← یکجورهایی	یکجا (معیار)، یهجا
یهخورده (شکسته) ← یکخرده	یکجور (معیار)، یهجور
یهدفعه (شکسته) ← یکدفعه	یکجورهایی (معیار)، یهجورایی
یهدونه (شکسته) ← یکدانه	یک چیز (معیار)، یه چیز
یهکم (شکسته) ← یککم	یکخرده (معیار)، یهخرده، یهخورده
یههو (شکسته) ← یکهو	یکدانه (معیار)، یهدونه
یهوخ (شکسته) ← یکوقت	یکدفعه (معیار)، یهدفعه، یهدفه
یهوخت (شکسته) ← یکوقت	یکدوم* ← یک کدام
یهوری (شکسته) ← یکوری	یک کدام (معیار)، یک کدوم، یه کدوم
یهوقت (شکسته) ← یکوقت	یککم (معیار)، یهکم
یوقط* ← یکوقت	یکم* ← یککم

کتاب‌نامه

- صلح‌جو، علی (۱۳۸۶)، «بشکنیم یا نشکنیم»، مترجم، ش ۴۵، صص ۹-۲۲.
- صلح‌جو، علی (۱۳۹۱)، اصول شکسته‌نویسی، تهران: نشر مرکز.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۸ الف)، مبانی و دستور خط فارسی شکسته براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۸ ب)، فارسی شکسته: دستور خط و فرهنگ املائی، تهران: کتاب بهار.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۹)، «تغییرات آوایی و صورت‌های شکسته در فضای مجازی و استفاده از آنها در فرهنگ‌های جامع زبان فارسی»، دستور، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، ش ۱۶، صص ۱۷۵-۱۹۴.

